

## مردم در برابر معدنکاوان تنها مانده‌اند

دانشگاه علوم پزشکی طی نامه‌ای به آب منطقه‌ای اعلام کرده است که برداشت معدن در روزن آبی شهر جیرفت، می‌تواند بر سلامت منابع آب تأثیر منفی داشته باشد

صفحه ۴

\_\_\_\_\_

مناطق با حفاری تا عمق ۱۵ متری نیز به آب نمی‌رسیم. حالا در شرایطی قرار داریم که از مجموع ۵۷۴ حلقه حلقه ۲۴ حلقه به‌طور کامل از مدار خارج شده، ۱۰۳ حلقه خشک شده و ۱۱ حلقه نیز کاهش شدید دبی داشته‌اند و در آستانه خشک شدن هستند.

**هشدار در مورد حفار چاه‌های جدید**

وضعیت چاه‌های تهران در حالی به مرحله بحرانی رسیده که معمولاً تابستان‌ها همزمان با بالا رفتن بخران کمبود آب، بخشی از آب مورد نیاز شهران بزرگ و به‌خصوص تهران از طریق همین چاه‌ها با حفار چاه‌های جدید تامین می‌شود. گرچه این برداشت‌ها اساساً به‌زور هشدار رسیسندند اما اینکه محصدسار باغخانی‌پور، مدیر کل محیط زیست کشته‌شهراران تهران، چندی قبل با الحنی هشدار آمیز خواستار

موسیقی نواحی  
زبانی برای صلح

در روزگاری که موسیقی پاپ و فضای مجازی بخش بزرگی از ذائقه شنیداری مردم را شکل می‌دهد، فستیوال‌ها به پانگاه‌ها تبدیل شده‌اند؛ جشن‌هایی که از دل مردم برمی‌آیند و به جای سالن‌های مجلل، در میدان‌ها، ساحل‌ها و کوچه‌های می‌شوند. جوانان نسل تازه، با شوق و ایمان به ریشه‌های فرهنگی، به‌دوربرزگارها را از صندوق بیرون آورده‌اند و به زبان زمانه کرده‌اند. فستیوال‌ها فرصتی فراهم کرده‌اند تا نغمه‌های کهن را در سایه فراموشی بوندند، دوباره به گوش برسانند. هر بار که صدای این‌انبان یا دهل در هوای شهرن شنیده می‌آید، گویی تکه‌ای از حافظه جمعی این سرزمین دوباره زنده می‌شود...

صفحه ۵

سهیلی، کندلوس و شفیع آباد، الگویی از گردشگری پایدار، میراث زنده  
و توسعه انسانی در ایران و جهان هستند

سه و ستای ایرانی به نام‌های سیمی در قشم، کندلوس در مازندران و شفیع آباد در کویر لوت کرمان در فهرست بهترین روستاهای گردشگری جهان سازمان جهانی گردشگری (UNWTO) به ثبت رسیدند. این رخداد مهم، جایگاه گردشگری روستای ایران را در سطح بین‌المللی ارتقا داد و ایران را به الگویی موفق در حوزه گردشگری پایدار و انسان‌محور تبدیل کرد. این سه روستا، نمونه‌های بارز زندگی هماهنگ با طبیعت، بهره‌گیری از دانش بومی و مشارکت جامعه محلی در توسعه گردشگری هستند.

**چشم‌انداز آینده**

تأیید این سه روستا، ایران اکنون به جمع کشورهای پیشرو در گردشگری روستایی و پایدار جهان پیوسته است. این موفقیت نشان می‌دهد که همگامی جامعه محلی، میراث فرهنگی و حفاظت از طبیعت می‌تواند به توسعه اقتصادی و اجتماعی و محیط‌زیستی پایدار منجر شود. سهیلی، کندلوس و شفع آباد تنها به عنوان مقاصد گردشگری مطرح شده‌اند، بلکه پیام‌آور امید و همکاری مردم در حفظ هویت، فرهنگ و طبیعت کشور هستند. این سه روستا مانند سه ستاره در آسمان ایران، می‌توانند به مسیر توسعه گردشگری ایران را با نور دانش، فرهنگ و طبیعت روشن‌تر کنند.

## سهیلی، ستاره خلیج فارس و گردشگری سبز

روستای سهیلی در جزیره قشم، معروف به ستاره خلیج فارس است. نامی از گردشگری سبزی پیدا است. مردم این روستا تا چندین سال پیش به گردشگری تالابی مبتنی بر حفاظت از محیط زیست رز است. گردشگری سبزی در گذشته به جای استفاده از قایق های موتوری و سوار کت و سدا که موجب آسیب به جنگل های قزم می شد، اهالی با ساخت لایچق های شاور که صدا، امکان مشاهده تالاب و حیات وحش را برای گردشگران فراهم کرد. زنان و کودکان روستا با پرورش و کاشت هزاران نخل حاد ار خانه های خود نقش موثری در حفظ این ذخیره کب و زیست کره سهیلی ایفا کرده اند. امروز سهیلی، مقصد محبوب برای رستار سهیل و گردشگری طبیعی شده است. همچنین این روستا با رستوران های دریایی، بازار چهای محلی و جشنواره های خوراک به پایتخت خوراک جنوب ایران تبدیل شده است. این ترکیب منحصر به فرد از طبیعت و فرهنگ غازی، توجه گردشگران داخلی و خارجی را به خود جلب کرده است.

## ۵ فصل از هویت ایران

**کندلوس؛ نگین فرهنگی البرز**

در دامنه‌های رشته کوه البرز در استان هازندران و در دل جنگل‌های هیرکانی، روستای کندلوس قرار دارد. این روستا، نمونه‌ای موفق از گردشگری فرهنگی و مدیریت جامعه محلی است. کندلوس با پیشینه‌ای نزدیک به چهار هزار سال، میراث و دانش بومی خود را حفظ کرده و به گردشگری فرهنگی می‌دهد. تا با سِت‌ها، باغچه‌ها و سبک زندگی محلی آشنا شوند. کندلوس نشان‌دهنده‌ای است که توسعه را برای اقتصاد محلی می‌تواند در هماهنگی با فرهنگ و طبیعت باشد. ترکیب علم، میراث و فرهنگ در این روستا، الگویی جهانی برای بهره‌گیری از منابع بومی در جهت گردشگری و حفظ محیط‌زیست ارائه کرده است. کندلوس، نمونه بارز تلاش مردم محلی برای حفاظت از میراث خود و بهره‌مندی از فرصت‌های اقتصادی آن است.

**شعاع آباد؛ زنانه و بیابانی**

د دل کویر لوت کرمان، شعاع آباد نماد توانمندی زنان ایرانی است. زیر مدیریت گردشگری و احیای منابع طبیعی این استان، روستا با تشکیل تعاونی های محلی، تولید صنایع دستی، سوغات و خدمات گردشگری را آغاز کردند و بخشی از درآمد خود را صرف احیای قنات ها و باغات خشکیده کردند. امروز شعاع آباد با مدیریت اقامتگاه ها، تفرجگاه های بیابانی و اکو کمپ های بین المللی و برگزاری مارتن جهانی لوت، به مرکز گردشگری بیابانی ایران و جهان تبدیل شده است. این روستا نشان می دهد که قدرت تغییر و توسعه پدیدار در فتنه با طبیعت وابسته است، بلکه با خلاقیت و همت مردم این روستا میسر می شود.

A man wearing a yellow baseball cap, sunglasses, and a dark t-shirt is sitting on the edge of a blue boat. He is wearing blue nitrile gloves and holding a small, light-colored seal pup. The pup has a dark patch around its eye and is looking towards the camera. The background shows a body of water and a distant shoreline with trees.

# رای قصاص ابلاغ شد متهم سخته کرد و مرد!

صفحة ٧

## جدال بر سر مسئول تورم

بدون هماهنگی سیاست‌های پولی و مالی، هیچ طرح  
ضد تورمی پایداری در اقتصاد ایران به نتیجه نخواهد رسید

صفحه ۲



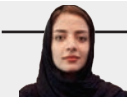
**فروپاشی  
امپراتوری گناه و  
سقوط شاهزاده**

با انتشار خاطرات ویر جینیا  
جو فری، پرنس اندرو مجبور  
به انصراف رسمی از  
القاب سلطنتی شد

**صفحه ۳**

روایت





در شرایطی که فشارهای معیشتی بر خانوارها افزایش یافته و پیش‌بینی‌ها از تورم ۵۶ درصدی در سال آینده حکایت دارند، نهادهای اقتصادی کشور هنوز بر سر این پرسش ساده که «چه کسی مسئول کنترل تورم است؟» به توافق نرسیده‌اند. بانک مرکزی، با استناد به سیاست‌های مالی دولت، توپ را به زمین وزارت اقتصاد می‌اندازد و وزارت اقتصاد، با اشاره به نوسانات ارزی، مسئولیت را به بانک مرکزی بازمی‌گرداند. این جدال، در غیاب یک چارچوب سیاست‌گذاری منسجم، نه تنها به حل بحران کمکی نکرده، بلکه خود به منبعی برای تشدید انتظارات تورمی و بی‌اعتمادی عمومی تبدیل شده است.

از طرف دیگر بانک مرکزی مدعی است که کنترل تورم در حوزه سیاست‌های مالی و بودجه‌ای قرار دارد و وزارت اقتصاد باید با اصلاح ساختار هزینه‌ای دولت، مانع از خلق نقدینگی شود. در مقابل، وزارت اقتصاد تورم را عمدتاً ناشی از نوسانات ارزی می‌داند و تأکید می‌کند که چسبون بانک مرکزی متولی بازار ارز است. مسئولیت اصلی کنترل تورم نیز بر عهده این نهاد پولی است. این کشمکش، در غیاب یک چارچوب سیاست‌گذاری منسجم، به بلاتکلیفی در تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی منجر شده است.

#### نهاد ناظر بر انتظارات تورمی کجاست؟

عملکرد بانک مرکزی در حوزه مدیریت ارزی و انتظارات تورمی نیز از سوی کارشناسان زیر سؤال رفته است. در همین زمینه، فرشاد پرویزیان، اقتصاددان و استاد دانشگاه، با اشاره به نبود شفافیت نهادی در ساختار بانک مرکزی، تأکید کرد که هنوز مشخص نیست نهاد ناظر بر انتظارات تورمی دقیقاً کجاست و بر اساس چه متغیرهایی عمل می‌کند. به گفته او، بانک مرکزی باید به‌صراحت اعلام کند که آیا مرکزی برای پایش و مدیریت انتظارات دارد یا خیر و اگر دارد، چه داده‌هایی را رصد می‌کند و چگونه به تحلیل فضای روانی اقتصاد می‌پردازد.

پیش‌تر بانک مرکزی گزارش‌هایی درباره بازارها و قیمت‌ها ارائه می‌کرد اما بعد با این استدلال که انتشار داده‌ها موجب تحریک انتظارات تورمی می‌شود، حذف اطلاعات از درگاه بانک مرکزی را در دستور کار قرار دادند اما این موضوع به کنترل تورم کمکی نکرد، بلکه به دلیل ارائه داده‌ها با گمانه‌زنی عملاً به انتظارات تورمی دامن زده شده است.

بنابراین با توجه به اینکه انتظارات تورمی از اطلاعاتی شکل می‌گیرد که مردم و فعالان اقتصادی در ذهن خود دریافت می‌کنند و به صورت تطبیقی یا عقلایی و آینده‌نگر تحلیل می‌کنند به همین دلیل آثار گسترده‌تری بر رفتار اقتصادی آنها دارد و نیازمند مدیریت فعال و علمی است.

رابرت لوکاس در اظهارنظری درباره ایران گفته

هوش مصنوعی آینده مشاغل جهان را باز تعریف می‌کند؛ ایران هنوز در حاشیه این تحول بزرگ باقی مانده است

## شغل‌ها می‌روند ربات‌ها می‌آیند

#### صنایع مالی

#### بیمه

#### خودفروشی

#### لجستیک

#### تولید صنعتی

#### سلامت

#### و آموزش

#### به گوش باشند



بر اساس پیش‌بینی‌های بین‌المللی تا سال ۲۰۲۷ حدود ۸۳ میلیون شغل در جهان حذف خواهد شد و تنها ۶۳ میلیون شغل جدید جایگزین آن می‌شود. این به معنای حذف خالص ۱۴ میلیون فرصت شغلی است. رقمی که رنگ خطری جدی برای کشورهایی است که هنوز برای مواجهه با این تغییرات آماده نشده‌اند. ایران، با وجود سهم اندک در سرمایه‌گذاری‌های فناوریانه، از تبعات این تحول جهانی در امان نخواهد بود. بسیاری از مشاغل سنتی، از جمله باغبانی، منشی‌گری، خدمات مالی و حتی برخی سطوح مدیریت، در معرض جایگزینی با الگوریتم‌ها و ربات‌ها قرار دارند.

#### تبعات تمرکز بر فناوری پردازی در نیروی انسانی سنتی

نظام‌آوری کشورها تحت تأثیر هوش مصنوعی با چالش‌های متعددی روبه‌روست. ساختارهای سنتی، نبود آمار دقیق از نیروی انسانی، تنوع قراردادهای استخدامی و توزیع نامتوازن نیروی کار، مانع از چابکی و انطباق با تحولات فناوریانه شده‌اند. در حالی که در برخی ستادهای مرکزی تراکم نیرو وجود دارد، بسیاری از شهرستان‌ها با کمبود شدید نیروی انسانی مواجه‌اند. این ناترازی، نه تنها بهره‌وری را کاهش داده، بلکه عدالت در جذب و توزیع منابع انسانی را نیز زیر سؤال برده است.

از سوی دیگر، نظام آموزش و توانمندسازی کارکنان در زمینه هوش مصنوعی نیز با ضعف‌های جدی مواجه است. در شرایطی که نیمی از کارکنان نیاز به آموزش‌های جدید دارند و بیش از یک‌سوم آن‌ها باید ظرف شش ماه مهارت‌های تازه بیاموزند، هنوز زیرساخت‌های لازم برای آموزش‌های کاربردی و مهارتی فراهم نشده است. تمرکز بر تئوری پردازی، فقدان استادان حرفه‌ای و نبود پیوند میان عملکرد و نظام پرداخت، از جمله موانعی است که مانع از تحول در نظام منابع انسانی شده‌اند. در چنین شرایطی، انتظار

در حالی که سرمایه‌گذاری جهانی در حوزه هوش مصنوعی با شتابی بی‌سابقه در حال گسترش است، ایران همچنان در حاشیه این تحول ایستاده است. کشورهاى توسعه یافته با هدف افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های تولید و تسریع فرآیندهای کاری، میلیارد‌ها دلار در توسعه زیرساخت‌های هوش مصنوعی سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این روند نه تنها ساختارهای سنتی و خدماتی را متحول کرده، بلکه بازار کار را نیز به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

می‌رود دولت با تدوین یک نقشه راه جامع، به‌جای واکنش‌های مقطعی، به‌صورت راهبردی به مسئله ورود کند، اما به نظر می‌رسد برخی دستگاه‌ها در حال فشار وارد کردن بر دولت هستند تا برنامه جامع برای هوش مصنوعی را کنار بگذارد. در صورتی که هم‌اکنون مشکلاتی در نظام استخدامی، آموزش‌های مهارتی وجود دارد و باید اصلاحاتی انجام شود و حتی بازتعریف مشاغل در معرض حذف و ایجاد بسترهای جدید برای اشتغال در حوزه‌های فناوریانه، انجام شود یا حداقل باید در اولویت اجرا قرار گیرند. در غیر این صورت، ایران نه تنها فرصت بهره‌برداری از ارزش افزوده هوش مصنوعی را از دست خواهد داد، بلکه با موجی از بیکاری ساختاری و نارضایتی اجتماعی مواجه خواهد شد که بر خلاف فناوری، قابل مهار نخواهد بود.

#### سرمایه‌گذاری جهانی در حوزه هوش مصنوعی

در سال ۲۰۲۵، سرمایه‌گذاری جهانی در حوزه هوش مصنوعی به نقطه عطف تاریخی رسیده و به حدود ۷۵۷ میلیارد دلار بالغ شده است. این رقم، که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۴ به بیش از ۲۶ تریلیون دلار افزایش یابد، نشان‌دهنده جایگاه راهبردی هوش مصنوعی در بازتعریف ساختارهای اقتصادی، صنعتی و فناوریانه جهان است. در این میان، ایالات متحده با فاصله‌ای چشمگیر در صدر قرار دارد و به تنهایی بیش از نیمی از این سرمایه‌گذاری را به خود اختصاص داده است. تنها در سال ۲۰۲۴، بخش خصوصی آمریکا بیش از ۱۰۹ میلیارد دلار در این حوزه سرمایه‌گذاری کرده است که حدود ۱۲ برابر چین و ۲۴ برابر بریتانیاست. چین با ۱۱۹ میلیارد دلار در جایگاه دوم قرار دارد و بریتانیا، کانادا، اسرائیل، آلمان و فرانسه نیز در میان ۱۰ کشور نخست دیده می‌شوند. در منطقه خاورمیانه، امارات متحده عربی و عربستان سعودی با سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه، در حال تبدیل شدن به قطب‌های نوپهور هوش مصنوعی هستند. امارات با

#### هفت صبح از عدم یکپارچگی نهادهای در اقتصاد ایران گزارش می‌دهد

## جدال بر سر مسئول تورم

بانک مرکزی و وزارت اقتصاد به‌جای کنترل تورم، مسئولیت را به گردن یکدیگر می‌اندازند

به امر این کشور بانک مرکزی ندارد که اجازه می‌دهد انتظارات چنین اثری بر اقتصاد بگذارد؟ این جمله، اهمیت نقش بانک مرکزی در مهار فضای روانی اقتصاد را به‌خوبی نشان می‌دهد.

با توجه به عدم یکپارچگی نهادهای در اقتصاد بازنگری در ساختار سیاست‌گذاری اقتصادی کشور یک ضرورت است. چراکه تورم، پدیده‌ای چندوجهی است که نیازمند هماهنگی میان سیاست‌های پولی، مالی، ارزی و رسانه‌ای است. در شرایطی که تورم در آستانه جهش قرار دارد، پاسخ‌گویی نهادی، شفافیت اطلاعاتی و هماهنگی سیاست‌ها بیش از هر زمان دیگری ضروری است. اگر بانک مرکزی و وزارت اقتصاد نتوانند اختلافات خود را کنار بگذارند و به یک چارچوب مشترک

در شرایطی که تورم در ایران در آستانه عبور از مرز ۵۰ درصد قرار دارد، نبود هماهنگی نهادهای میان بانک مرکزی و وزارت اقتصاد، به‌جای مهار بحران، به تشدید انتظارات تورمی دامن زده است. حذف داده‌های رسمی، نبود نهاد ناظر بر انتظارات و فراقتنی مسئولیت، نشانه‌هایی از ضعف ساختاری در سیاست‌گذاری اقتصادی کشور است که می‌تواند به بی‌ثباتی بلندمدت منجر شود

حفظ ارزش پول ملی می‌داند، عملکرد این نهاد در سال‌های اخیر نتوانسته انتظارات را مدیریت کند و در مواردی خودش به منبع ابهام و بی‌اعتمادی تبدیل شده است. از یک‌سو، بانک مرکزی با تأخیر در انتشار داده‌های پولی و ارزی، فضای تحلیل را برای فعالان اقتصادی تیره کرده و از سوی دیگر، وزارت اقتصاد با تکیه بر استدلال‌هایی چون «تورم وارداتی» یا «نوسانات ارزی»، مسئولیت را به گردن بانک مرکزی می‌اندازد. این وضعیت، به‌جای آنکه به هم‌افزایی در سیاست‌گذاری منجر شود، به نوعی بی‌بست نهادی انجامیده که در آن، هیچ‌کس پاسخ‌گو نیست و هیچ نهاد مستقلی نیز برای داوری میان این دو وجود ندارد.

حرکت دولت به‌سمت کسری‌های عمیق‌تر در همین حال، داده‌های بانک جهانی از تراز مالی دولت و حساب‌های جاری نیز نشان می‌دهد که دولت در حال حرکت به‌سمت کسری‌های عمیق‌تر است. کسری بودجه ۴۰٫۱ درصدی در سال ۱۴۰۴، در کنار کاهش تراز حساب جاری به زیر صفر، به‌روشنی نشان می‌دهد که دولت نه تنها در تأمین منابع پایدار ناتوان است، بلکه برای جبران این شکاف،



بنا بر این آنچه اقتصاد ایران را در معرض یک بحران تورمی مزمن قرار داده، صرفاً فشارهای خارجی یا نوسانات بازار ارز نیست؛ بلکه فقدان انسجام نهادی و نبود پاسخ‌گویی در ساختار سیاست‌گذاری است. وقتی دو نهاد کلیدی یعنی بانک مرکزی و وزارت اقتصاد به‌جای همکاری، به جدال‌های مسئولیتی هستند، نه تنها سیاست‌های ضدتورمی بی‌اثر می‌شوند، بلکه انتظارات تورمی نیز از کنترل خارج می‌گردد. در چنین فضایی، فراقتنی به‌جای اصلاح ساختار، تنها به فرسایش اعتماد عمومی منجر می‌شود. این بی‌اعتمادی، خود به محرک تورم بدل می‌شود؛ زیرا فعال اقتصادی، در غیاب اطلاعات رسمی، بدترین سناریو را در ذهن خود می‌سازد و بر اساس آن تصمیم می‌گیرد.

اگر دولت و بانک مرکزی نتوانند بر سر یک نقشه راه مشترک برای مهار تورم به توافق برسند، و اگر استقلال نهادی، شفافیت اطلاعاتی و پاسخ‌گویی جایگزین جدال‌های سیاسی نشود، اقتصاد ایران دچار رکود عمیق‌تر می‌شود و تبعاتش سفره‌هایی کوچک‌تر و آینده‌ای مبهم‌تر خواهد بود.

همکاری شرکت‌هایی مانند مایکروسافت، زیرساخت‌های گسترده‌ای برای توسعه این فناوری ایجاد کرده و عرصستان نیز با پروژه‌هایی چون نِکسوم، به‌دنبال بهره‌برداری از هوش مصنوعی در مقیاس‌های خلق خدمات و محصولات است. در مقابل این روند جهانی، ایران همچنان فاقد یک برنامه جامع ملی برای توسعه هوش مصنوعی است. سهم کشور از سرمایه‌گذاری جهانی در این حوزه ناچیز باقی مانده و تاکنون اقدام راهبردی مشخصی برای بهره‌برداری از این فناوری در سطح ملی صورت نگرفته است. این در حالی است که اثرات هوش مصنوعی، چه در حوزه اشتغال و چه در بهره‌وری اقتصادی، به‌تدریج در حال نمایان شدن است. بسیاری از مشاغل سنتی در معرض حذف قرار دارند و بدون سیاست‌گذاری فعال برای بازآموزی نیروی کار و ایجاد مشاغل جدید، کشور با موجی از بیکاری ساختاری مواجه خواهد شد.

هوش مصنوعی نه تنها ابزار افزایش بهره‌وری در کاهش هزینه‌هاست، بلکه به‌سرعت در حال تبدیل شدن به پیشران اصلی رشد اقتصادی در جهان است. کشورهایی که امروز در این حوزه سرمایه‌گذاری می‌کنند، فردا نه تنها در تولید ثروت، بلکه در تعیین قواعد بازی اقتصاد جهانی نقش آفرین خواهند بود. ایران اگر نتواند به‌موقع وارد این رقابت شود، نه تنها فرصت خلق ارزش افزوده را از دست خواهد داد، بلکه در معرض عقب‌ماندگی فناوریانه و وابستگی اقتصادی فراینده قرار خواهد گرفت. اکنون زمان آن رسیده که هوش مصنوعی نه به‌عنوان یک موضوع لوکس فناوریانه، بلکه به‌مثابه یک اولویت راهبردی ملی دیده شود.

تأثیر هوش مصنوعی بر کسب‌وکارها تأثیر هوش مصنوعی بر کسب‌وکارها، دیگر یک پیش‌بینی آینده‌نگرانه نیست؛ واقعیتی است که اکنون در حال بازتعریف ساختارهای اقتصادی، مدل‌های درآمدی و شیوه‌های تولید ارزش در جهان است. از خطوط تولید خودکار در کارخانه‌ها گرفته تا الگوریتم‌های تحلیل داده در بازارهای مالی، هوش مصنوعی به‌سرعت در حال نفوذ به لایه‌های مختلف اقتصاد جهانی است و پیامدهای آن، هم در سطح کلان و هم در سطح فردی، قابل توجه است. در سطح جهانی، انتظار می‌رود هوش مصنوعی به یکی از موتورهای اصلی رشد اقتصادی در دهه آینده تبدیل شود. برآوردهای موسسات بین‌المللی مانند مک‌کینزی نشان می‌دهد که تا سال

ناگزیر به استقراض از بانک مرکزی یا فشار بر منابع ارزی خواهد بود، دو مسیری که هر دو به تشدید تورم منجر می‌شوند.

در چنین شرایطی، سیاست‌های پولی نیز عملاً در تنگنای سیاست‌های مالی قرار گرفته‌اند. بانک مرکزی، حتی اگر بخواهد با ابزارهایی چون عملیات بازار باز، نرخ بهره یا کنترل پایه پولی به مهار تورم بپردازد، با فشارهای بودجه‌ای دولت، بدهی‌های انباشته بانک‌ها و نیاز به تأمین ارز برای واردات کالاها، اساسی مواجه است. این یعنی استقلال عملیاتی بانک مرکزی، که پیش‌شرط موفقیت در کنترل تورم است، به‌شدت تضعیف شده است.

از منظر تاریخی نیز، اقتصاد ایران از سال ۱۳۹۷ به این‌سو، وارد چرخه‌ای از رکود تورمی شده که خروج از آن نیازمند اصلاحات سیاسی ساختاری عمیق است. تجربه کشورهای مشابه نشان می‌دهد که بدون انضباط مالی، شفافیت پولی و بازسازی اعتماد عمومی، هیچ سیاست ضدتورمی پایداری موفق نخواهد بود. در ایران اما، نه تنها این اصلاحات آغاز نشده، بلکه حتی در سطح گفت‌وگوهای رسمی نیز اجماع روشنی درباره منشأ و راه‌حل تورم وجود ندارد. هشدار بانک جهانی درباره تورم ۵۶ درصدی در سال آینده، تنها یک عدد نیست و انعکاسی است از فشار مضاعف بر سفره خانوار، کاهش قدرت خرید طبقه متوسط و فرسایش اعتماد عمومی به نهادهای اقتصادی. اگر بانک مرکزی و دولت نتوانند بر سر یک نقشه راه مشترک برای مهار تورم به توافق برسند و اگر شفافیت، پاسخ‌گویی و استقلال نهادی جایگزین جدال‌های سیاسی نشود، اقتصاد ایران نه تنها از رکود خارج نخواهد شد، بلکه در مسیر فرسایش بلندمدت قرار خواهد گرفت که هزینه آن را نه نهادهای، بلکه مردم خواهند پرداخت.

بنابراین آنچه اقتصاد ایران را در معرض یک بحران تورمی مزمن قرار داده، صرفاً فشارهای خارجی یا نوسانات بازار ارز نیست؛ بلکه فقدان انسجام نهادی و نبود پاسخ‌گویی در ساختار سیاست‌گذاری است. وقتی دو نهاد کلیدی یعنی بانک مرکزی و وزارت اقتصاد به‌جای همکاری، به جدال‌های مسئولیتی هستند، نه تنها سیاست‌های ضدتورمی بی‌اثر می‌شوند، بلکه انتظارات تورمی نیز از کنترل خارج می‌گردد. در چنین فضایی، فراقتنی به‌جای اصلاح ساختار، تنها به فرسایش اعتماد عمومی منجر می‌شود. این بی‌اعتمادی، خود به محرک تورم بدل می‌شود؛ زیرا فعال اقتصادی، در غیاب اطلاعات رسمی، بدترین سناریو را در ذهن خود می‌سازد و بر اساس آن تصمیم می‌گیرد.

اگر دولت و بانک مرکزی نتوانند بر سر یک نقشه راه مشترک برای مهار تورم به توافق برسند، و اگر استقلال نهادی، شفافیت اطلاعاتی و پاسخ‌گویی جایگزین جدال‌های سیاسی نشود، اقتصاد ایران دچار رکود عمیق‌تر می‌شود و تبعاتش سفره‌هایی کوچک‌تر و آینده‌ای مبهم‌تر خواهد بود.

۲۰۳۰، هوش مصنوعی می‌تواند بیش از ۱۵ تریلیون دلار به تولید ناخالص داخلی جهان اضافه کند. این رشد عمدتاً از طریق افزایش بهره‌وری، بهینه‌سازی زنجیره‌های تأمین، کاهش هزینه‌های عملیاتی، خلق خدمات و محصولات جدید حاصل خواهد شد. با این حال، این رشد مصنوعی در مقیاس‌های خلق خدمات و محصولات جدید حاصل خواهد شد. با این حال، این رشد اقتصادی به‌صورت یکنواخت توزیع نمی‌شود. کشورهایی که زیرساخت‌های دیجیتال قوی، سرمایه‌گذاری هدفمند و سیاست‌گذاری هوشمندانه دارند، به‌بیشترین بهره‌ر از این تحول خواهند برد. در مقابل، کشورهایی که فاقد برنامه‌ریزی برای انطباق با این فناوری هستند، نه تنها از مزایای آن بی‌بهره می‌مانند، بلکه با چالش‌های جدی در بازار کار، نابرابری درآمدی و عقب‌ماندگی فناوریانه مواجه خواهند شد.

#### چه کسب و کارهایی بیشتر تحت تأثیر هوش مصنوعی هستند؟

در سطح کسب‌وکار، هوش مصنوعی بیشترین تأثیر را در بخش‌هایی دارد که داده‌های حجیم، تصمیم‌گیری سریع و فرآیندهای تکرار شونده سروکار دارند. صنایع مالی، بیمه، خودفروشی، لجستیک، تولید صنعتی، سلامت و آموزش از جمله حوزه‌هایی هستند که به‌سرعت در حال بهره‌برداری از قابلیت‌های هوش مصنوعی هستند. در این بخش‌ها، الگوریتم‌ها می‌توانند وظایفی مانند تحلیل ریسک، پیش‌بینی تقاضا، بهینه‌سازی مسیرها، تشخیص بیماری و حتی برنامه‌ریزی آموزشی را با دقت و سرعتی فراتر از توان انسانی انجام دهند. اما، این تحول فناوریانه، تأثیرات عمیقی در درآمد افراد نیز دارد. از یک‌سو، مشاغلی که با مهارت‌های قابل اتوماسیون سروکار دارند، در معرض حذف یا کاهش دستمزد قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، تقاضا برای مهارت‌های جدید مانند تحلیل داده، طراحی الگوریتم، اخلاق

هوش مصنوعی و مدیریت سیستم‌های خودکار افزایش می‌یابد. این جابه‌جایی مهارتی، اگر با سیاست‌های آموزشی و حمایتی همراه نباشد، می‌تواند به شکاف درآمدی و نابرابری اجتماعی دامن بزند. بهره‌مندی از این فرصت، نیازمند آمادگی نهادی، سرمایه‌گذاری هدفمند و مهم‌تر از همه، بازآفرینی سیاست‌های آموزشی و بازار کار است. در غیر این صورت، کشورهایی مانند ایران که هنوز نقشه راه روشنی برای مواجهه با این تحول ندارند، با خطر عقب‌ماندگی مضاعف و فشارهای اجتماعی ناشی از بیکاری ساختاری مواجه خواهند شد.

#### گزارش

#### سیاست‌های جدید مرزی نتوانستند جایگزین کولبری و تهنلجی شوند

## ناکامی اقتصاد مرزنشینان

**گروه اقتصادی |** در ماه‌های اخیر، دولت با هدف مقابله با قاچاق کالا و ساماندهی تجارت غیررسمی در مناطق مرزی، سیاست‌هایی را در دستور کار قرار داده که از جمله مهم‌ترین آن‌ها، بر خورد با پدیده کولبری و تهنلجی و جایگزینی آن با بازارچه‌های مرزی رسمی بوده است. این اقدامات در چارچوب قانون ساماندهی تجارت مرزی و با هدف کنترل ورود و خروج کالا، کاهش اقتصاد پنهان و حمایت از تولید ملی طراحی شده‌اند. با این حال، شواهد میدانی و گزارش‌های رسمی نشان می‌دهند که این سیاست‌ها در عمل نتوانسته‌اند تأثیر ملموسی بر بهبود معیشت مرزنشینان داشته باشند. در حالی که دولت تلاش کرده با ایجاد بازارچه‌های مرزی شفاف، مسیر قانونی برای تجارت مرزنشینان فراهم کند، اما این زیرساخت‌ها به‌دلیل محدودیت‌های اجرایی، ضعف در پوشش جغرافیایی و نبود سازوکارهای حمایتی موثر، نتوانسته‌اند جایگزین واقعی برای مشاغل سنتی کولبری و تهنلجی باشند. بسیاری از خانوارهای ساکن در استان‌های مرزی همچنان به این مشاغل وابسته‌اند و حذف آن‌ها بدون ارائه گزینه‌های جایگزین، موجب تشدید فقر و بیکاری در این مناطق شده است.

از سوی دیگر، حجم بالای کالاهایی که از طریق تهنلجی و کولبری وارد کشور می‌شوند، در نبود نظارت موثر، به‌جای مصرف محلی، به بازارهای داخلی منتقل شده و عملاً به شبکه‌های غیررسمی توزیع کالا تبدیل شده‌اند. این روند نه تنها عدالت اقتصادی را بر هم زده، بلکه تولیدکنندگان داخلی را نیز با رقابت نابرابر مواجه کرده است. در واقع، سود اصلی این تجارت نه به کولبران و مولانان، بلکه به دلالان و شبکه‌های توزیع خارج از مناطق مرزی رسیده است.

با وجود تلاش دولت برای کنترل قاچاق از طریق بازارچه‌های مرزی، نبود زیرساخت‌های حمایتی، ضعف در اجرای قانون و عدم توجه به واقعیت‌های اقتصادی مرزنشینان، موجب شده که این سیاست‌ها در تحقق اهداف معیشتی ناکام بمانند. کارشناسان معتقدند که ساماندهی تجارت مرزی باید با نگاه توسعه‌محور، مشارکت جوامع محلی و ایجاد فرصت‌های شغلی جایگزین همراه باشد؛ نه صرفاً با محدودسازی و حذف مشاغل سنتی.

#### وضعیت اقتصاد شهرهای مرزی ایران

اقتصاد شهرهای مرزی ایران، به‌ویژه در استان‌هایی مانند سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی، بوشهر و هرمزگان، بر پایه فعالیت‌هایی شکل گرفته که اغلب غیررسمی هستند و شامل تجارت خرد، کشاورزی سنتی و مشاغل خدماتی محدود می‌شوند. این مناطق با توجه به موقعیت جغرافیایی خاص خود، ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به قطب‌های تجاری و صنعتی دارند، اما در عمل با مشکلاتی مانند ضعف زیرساخت، نبود سرمایه‌گذاری پایدار، نرخ بالای بیکاری و محدودیت‌های امنیتی روبه‌رو هستند.

در بسیاری از این شهرها، نبود صنایع بزرگ و فرصت‌های شغلی رسمی موجب شده است که بخش قابل توجهی از جمعیت فعال به مشاغلی مانند کولبری، تهنلجی، دلالی مرزی یا کارگری فصلی روی بیاورند. این مشاغل نه تنها فاقد امنیت شغلی هستند، بلکه اغلب بدون بیمه، حمایت قانونی و درآمد پایدار ادامه پیدا می‌کنند. چنین شرایطی باعث شده است که اقتصاد مرزی در چرخه‌ای از فقر، وابستگی و آسیب‌پذیری گرفتار شود.

برای اشتغال‌زایی در این مناطق، مجموعه‌ای از سیاست‌های هدفمند باید در دستور کار قرار گیرد. نخست آنکه ایجاد مناطق ویژه اقتصادی مرزی با ارائه مشوق‌های مالیاتی، تسهیلات بانکی و زیرساخت‌های صنعتی می‌تواند سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را به راه‌اندازی واحدهای تولیدی در این مناطق ترغیب کند. همچنین توسعه تعاونی‌های محلی و صنایع کوچک با تمرکز بر تولیدات بومی مانند صنایع دستی، کشاورزی ارگانیک، فرآوری محصولات محلی و مشاغل خانگی، ظرفیت اشتغال پایدار و قابل توسعه را فراهم می‌آورد. راه‌اندازی مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای تخصصی نیز نقش مهمی در توانمندسازی جوانان مرزنشین دارد. آموزش مهارت‌هایی متناسب با ظرفیت‌های منطقه‌ای مانند تعمیرات درایی، بسته‌بندی محصولات کشاورزی و گردشگری مرزی، زمینه‌رود افراد به بازار کار رسمی را فراهم می‌کند. در کنار این اقدامات، توسعه گردشگری مرزی و فرهنگی با توجه به تنوع قومی، فرهنگی و طبیعی موجود در این مناطق، می‌تواند منبع درآمد جدیدی برای ساکنان محلی باشد.

#### تسهیل تجارت فرامرزی با کشورهای همسایه

ایجاد بازارچه‌های مرزی با مدیریت محلی نیز از دیگر راهکارهای موثر است. واگذاری مدیریت این بازارچه‌ها به تعاونی‌های مرزنشینان، ضمن کاهش قاچاق، امکان درآمد مستقیم و شفاف برای خانوارها را فراهم می‌سازد. همچنین تسهیل تجارت فرامرزی با کشورهای همسایه از طریق انعقاد توافق‌نامه‌های دوجانبه برای صادرات محصولات محلی و واردات همدند، به‌ویژه در مناطق مرزی، می‌تواند اشتغال و درآمد را افزایش دهد.

اشتغال‌زایی در شهرهای مرزی نیازمند عبور از نگاه صرفاً امنیتی و حرکت به‌سوی سیاست‌هایی است که بر توسعه، مشارکت و عدالت اجتماعی تمرکز دارند. این مناطق نه تهدید، بلکه فرصت‌هایی برای رشد اقتصادی، تقویت تجارت منطقه‌ای و کاهش نابرابری محسوب می‌شوند، به شرط آنکه سیاست‌گذاری‌ها با واقعیت‌های محلی هم‌خوانی داشته باشند.

بنابراین، اگرچه مقابله با قاچاق یک ضرورت اقتصادی و امنیتی است، اما موفقیت آن در گرو طراحی سیاست‌هایی است که هم‌زمان با حفظ منافع ملی، معیشت مرزنشینان را نیز در نظر بگیرد. بازارچه‌های مرزی، بدون پیوسته‌های اجتماعی و اقتصادی، نمی‌توانند جایگزین واقعی برای مشاغلی باشند که سال‌هاست ستون فقرات اقتصاد مناطق محروم را تشکیل داده‌اند.





ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



**کیوسک**

مورنینگ استار انگلیس، تیترا اصلی خود را به سخنان جریمی کوربین درباره تیم فوتبال اسرائیل اختصاص داد. کوربین گفته است که «ممنوعیت ورود اراذل و اوباش فوتبال اسرائیل باید حفظ شود.»

د گلوب اند میل کانادا، طرح روی جلد خود را به حرکت مارک کارنی، نخست‌وزیر این کشور روی مرز باریک بین آمریکا و چین اختصاص داد. مرزی که رابطه به چین را حفظ می‌کند و موجب عصبانیت آمریکا نیز نمی‌شود.



زن در کابین شماره ۱۰، تنفلیکس را تسخیر کرد

فیلم معمایی «زن در کابین شماره ۱۰» با بازی درخشان کایرا نایتلی از ۱۰ اکتبر در تنفلیکس منتشر شده و در صدر فهرست پربیننده‌ترین آثار این پلتفرم قرار گرفته است. این فیلم که اقتباسی از رمان پر فروش روث وراست، داستان روزنامه‌نگاری را روایت می‌کند که در یک کشتی تفریحی لوکس شاهد پرتاب شدن زنی به دریاست اما همه ادعا می‌کنند چنین اتفاقی رخ نداده است. نایتلی برای کشف حقیقت وارد مسیری پر خطر می‌شود و رازی هولناک را برملا می‌کند. گای پیرس، هانا وادینگهام و گوگو امباتا را از دیگر بازیگران این تریلر پر تنش هستند. با وجود نقدهای متفاوت، برخی منتقدان بازی نایتلی و فضای مهیج فیلم را ستوده و آن را یکی از بهترین تریلرهای پاییز دانسته‌اند، هرچند گروهی این اقتباس را سطحی و نازل خوانده‌اند. در همین حال، «گرگ و میش» در هولو با بازگشت به فهرست محبوب‌ها در فصل هالووین، مخاطبان را مجذوب کرده است. فیلم ترسناک «ماده» با بازی دمی مور نیز در اچ‌بی‌او مکس صدرنشین است. در پرایم ویدیو هم «بازی کثیف» با بازی مارک والبرگ، داستان سارق حرفه‌ای که در دام مافیای گرفتار می‌شود، جایگاه نخست را کسب کرده است. این رقابت تنگاتنگ، تنوع سلیقه مخاطبان در دنیای استریمینگ را نشان می‌دهد.

پل‌دوژن

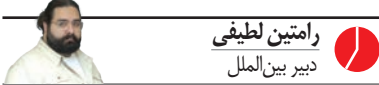


شبکه تاریک اپستین؛ امپراتوری گناه

پرونده جفری اپستین، سرمایه‌دار مرمر آمریکایی، یکی از پیچیده‌ترین شبکه‌های قاچاق جنسی تاریخ را افشا کرد. او سال‌ها دختران نوجوان را از سراسر جهان به ویلای خود در جزایر کارائیب می‌کشاند و برای مهمانان ثروتمندش فراهم می‌کرد. در میان نام‌هایی که پس از مرگ مشکوک او در سال ۲۰۱۹

با انتشار خاطرات ویرجینیا جوفری، پرنس اندرو مجبور به انصراف رسمی از القاب سلطنتی شد

فروپاشی امپراتوری گناه و سقوط شاهزاده



پرنس اندرو، دومین پسر ملکه الیزابت دوم و برادر کوچک‌تر و ۶۵ ساله شاه چارلز، روز جمعه و در بیانیه‌ای رسمی اعلام کرد از عنوان «دوک یورک» و دیگر افتخارات سلطنتی خود چشم می‌پوشد. او در این بیانیه نوشت: «تصمیم گرفتم، همان‌گونه که همیشه باور داشته‌ام، وظیفه‌ام نسبت به خانواده و کشور را در اولویت بگذارم.» به گفته او، این تصمیم پس از مشاوره با برادرش، شاه چارلز سوم و دیگر اعضای خانواده سلطنتی گرفته شده است. هرچند اندرو همچنان عنوان «پرنس» را حفظ می‌کند اما از این پس نه او و نه همسر سابقش، سارا فرگوسن، اجازه استفاده از لقب «یورک» را ندارند. این بیانیه درست پس از انتشار بخشی از خاطرات تازه ویرجینیا جوفری منتشر شد، خاطراتی که در آن برای نخستین بار پس از توافق پرحاشیه با اندرو در حاشیه دادگاه، جزئیات تکان‌دهنده‌ای از دیدارهای خصوصی میان او و این دختر نوجوان بازگو شده است که «به فرمان جفری اپستین» به وی سپرده شده بود.

ویرجینیا: دختری که به سکوت تن نداد

ویرجینیا جوفری، زن آمریکایی-استرالیایی، در سال‌های نوجوانی به دام شبکه قاچاق جنسی اپستین افتاد. او بعدها گفت ابتدا در مارالاگو، ملک تفریحی دونالد ترامپ در فلوریدا، جایی که پدرش مشغول باغبانی بود، توسط گیلین مکسول، شریک عاطفی و همدست اپستین، اغفال شد. او در خاطراتش با عنوان «هیچ‌کس نبودم: خاطراتی از بقا و مبارزه برای عدالت» که انتشار آن پس از مرگش در آوریل امسال برنامه‌ریزی شده بود، روایت می‌کند که چگونه در لندن، نیویورک و جزیره اختصاصی اپستین مجبور به رابطه جنسی اجباری با پرنس اندرو شده بود. ویرجینیا در این کتاب از سه بار دیدار با پرنس اندرو سخن می‌گوید؛ از شبی در باشگاهی شبانه در لندن، سپس دیداری در خانه شخصی گیلین مکسول و در نهایت دیداری در خانه شخصی اپستین. ویرجینیا در یکی از بخش‌های این کتاب نوشته که اندرو هنگام نخستین دیدار، سن دختر را حدس زده و خطاب به او گفته است: «دخترانم کمی از تو کوچک‌ترند.» اما این اتبه حرام و گناه، پشت‌ابر پنهان نماند و ویرجینیا سال‌ها بعد، با شجاعتی بی‌سابقه علیه امپراتوری قدرت و ثروت اپستین ایستاد، از او و پرنس اندرو شکایت کرد، به دادگاه رفت و بالاخره در سال ۲۰۲۲ با دریافت غرامتی سنگین از پرنس اندرو، با او به سازش و مصالحه پیش از صدور حکم رسید. اما این پایان ماجرا نبود و او هرگز سکوت نکرد، بلکه خاطراتش را این بار به زبان واژه‌ها فریاد زد. چند ماه پس از ارسال نسخه نهایی کتابش به انتشارات، جسد او در

برجام پس از ۱۰ سال دیروز رسماً پایان یافت؛ ایران از مرگ حقوقی آن می‌گوید و غرب با تفسیر سیاسی، تحریم‌ها را بازمی‌گرداند

برجام مُرد، نبرد تازه آغاز شد

**حسین فاطمی** | دیروز شنبه ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ (۲۶ مهرماه ۱۴۰۴) می‌توانست نقطه‌ای نمادین در تقویم دیپلماسی بین‌المللی باشد؛ روزی که طبق مفاد برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، می‌بایست پایان رسمی ۱۰ سالگی این توافق و ضامن اجرایی آن رقم بخورد. با این حال و به قول معروف نشد آنچه که می‌بایست می‌شد. در گذر این ۱۰ سال، آن چیزی که از برجام سال ۲۰۱۵ باقی مانده، به تعبیر بسیاری از کارشناسان، فقط و فقط لاشه‌ای بی‌جان از یک توافق تاریخی بود. نقطه عطف فروپاشی برجام، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ بود؛ زمانی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، به‌صورت یکجانبه از توافق خارج شد. پس از آن نیز اروپا، علیرغم وعده‌های مکرر برای حفظ واحیای برجام، نتوانست به تعهدات خود عمل کند و در نتیجه، این توافق به تدریج به اتاق عمل رفت.

ایران در واکنش، طی پنج گام کاهش تعهدات برجامی، کوشید توازن از دست‌رفته را بازگرداند اما مجموعه‌ای از تحولات سیاسی و امنیتی، از جمله فشارهای اقتصادی، تحریم‌های مضاعف و کارشکنی‌های غرب، عملاً برجام را به وضعیت «مرگ مغزی» کشاند. در نهایت، اقدام اخیر تروئیکا اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) در اعلام بازگشت قطعنامه‌های شش‌گانه تحریمی علیه ایران، مهر پایانی بر حیات رسمی این توافق بود و در ۲۸ سپتامبر (ششم مهرماه امسال)، به تعبیر ناظران، «مرگ قطعی برجام» رقم خورد.

اکنون، در حالی که تهران با زوال سال‌نامه‌هایی از سوی وزارت خارجه و نیز شخص عباس عراقچی به دبیرکل سازمان ملل

و رئیس شورای امنیت، بر پایان قطعنامه ۲۲۳۱ تأکید دارد، دو روایت کاملاً متفاوت از «پایان برجام» در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند. در سوی دیگر، صفحه رسمی اینترنتی سازمان ملل همچنان مدعی فعال‌شدن مجدد قطعنامه‌هاست و به نظر می‌رسد ادعای ایران، هرچند از منظر حقوقی مستدل جلوه کند، در عمل با پذیرش و اصلاح از سوی نهادهای بین‌المللی روبه‌رو نخواهد شد.

دوره زمانی ۱۰ ساله تعیین شده

در برجام به پایان رسید وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با انتشار بیانیه‌ای به مناسبت پایان دوره ۱۰ ساله قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل (۲۶ مهر ۱۴۰۴ / ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵) اعلام کرد که تمامی مفاد و محدودیت‌های این قطعنامه از جمله سازوکارهای نظارتی و تحریمی خاتمه یافته و موضوع هسته‌ای ایران باید از دستور کار شورای امنیت خارج شود. در بیانیه تأکید شده است که برنامه هسته‌ای ایران ماهیتی کاملاً صلح‌آمیز دارد و هیچ گزارشی از سوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر انحراف آن منتشر نشده است.

وزارت خارجه اقدام سه کشور اروپایی عضو برجام (انگلیس، فرانسه و آلمان) در تلاش برای بازگرداندن قطعنامه‌های لغوشده را غیرقانونی، بی‌اثر و برخلاف رویه‌های حقوقی دانست و از دبیرکل سازمان ملل خواست فوراً اطلاعات نادرست منتشرشده در وبسایت این سازمان را اصلاح کند. همچنین تشکیل مجدد

سازوکارهای تحریمی از جمله کمیته تحریم و گروه کارشناسان را غیرقانونی خواند. ایران ضمن محکوم کردن حملات نظامی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای خود، از مواضع چین، روسیه، الجزایر، پاکستان و دیگر کشورهایی که با سوءاستفاده سه کشور اروپایی از سازوکار حل اختلاف برجام مخالفت کردند، قدردانی کرد. در پایان، ایران بر تعهد خود به دیپلماسی و حقوق مشروع در بهر‌مندی از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز تأکید کرد.

عراقچی: ادعای «احیا» یا «عاده» قطعنامه‌های

خاتمه یافته فاقد مبنای حقوقی است

هم‌زمان عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران هم در نامه‌ای رسمی به دبیرکل سازمان ملل و رئیس شورای امنیت اعلام کرد قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت طبق مفاد خود در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ به‌طور قطعی خاتمه یافته و از آن تاریخ فاقد هرگونه اثر حقوقی است. وی تأکید کرد هرگونه ادعای «احیا» یا «عاده» قطعنامه‌های تحریمی پیشین با تلاش برای فعال‌سازی نهادهای فرعی همچون «کمیته تحریم» و «هیئت کارشناسان»، فاقد مبنای حقوقی و از اساس باطل است. عراقچی تصریح کرد هیچ دولت عضو، دبیرخانه یا مقام رسمی سازمان ملل بدون تصمیم صریح شورای امنیت نمی‌تواند اقدام قانونی در این زمینه انجام دهد. او با اشاره به خروج آمریکا از برجام در سال ۲۰۱۸ و قصور سه کشور اروپایی در اجرای تعهدات خود، تأکید کرد که ایران با حسن نیت و پایبندی کامل به تعهدات برجامی خود عمل کرده اما طرف‌های غربی با تحریم‌های غیرقانونی و اقدامات سیاسی مانع اجرای کامل توافق شدند. وی افزود سازوکار موسوم به «اسنپ‌بک» که اروپا در سال ۲۰۲۵ کوششید آن را فعال کند، فاقد وجاهت حقوقی است و از سوی اعضای شورای امنیت، از جمله چین و روسیه، رد شده است. عراقچی در پایان خواستار ثبت این نامه به‌عنوان سند رسمی شورای امنیت و مجمع عمومی شد.

عبدالرضا فرجی راد تحلیلگر حوزه برجامی: برجام حاصل روایت قدرت است، نه روایت حقوقی

پیرو آنچه گفته شد و برای تحلیل دقیق‌تر وضعیت کنونی برجام و مناقشات پیرامون قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، چه از منظر حقوقی و چه از منظر دیپلماتیک، عبدالرضا فرجی‌راد طی کپ و گفتش با «هفت صبح» و در تحلیل خود بر این باور است که «کنون دوروایت متضاد از سرنوشت برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ در برابر یکدیگر صف‌آرایی کرده‌اند؛ روایتی حقوقی از جانب تهران که بر پایان قطعی این قطعنامه در ۲۶ مهرماه ۱۴۰۴ تأکید دارد و روایتی سیاسی از جانب غرب که با استناد به صفحه رسمی سازمان ملل، از بازگشت تحریم‌ها سخن می‌گوید.» به گفته این تحلیلگر حوزه برجامی، «روایاتی‌ها در ماه‌های اخیر اقدامی «غیرقانونی و فاقد مبنای حقوقی» انجام داده‌اند؛ چراکه پیش از مراجعه به شورای امنیت، موظف بودند اختلافات را در چارچوب کمیسیون حل اختلاف برجام و سپس هیات وزیران بررسی کنند، اما از این مسیر عدول کردند.» این مدرس دانشگاه در قرائت تاریخی خود هم تصریح می‌کند که «همین کشورها، یعنی تروئیکا اروپایی، پس از خروج دونالد ترامپ از برجام، در عمل به تعهدات خود کوتاهی کرده و هیچ‌یک از وعده‌های اقتصادی خود را محقق نساختند». لذا از نگاه او، «رویا نه‌تنها در حفظ برجام ناکام ماند، بلکه با پیروی از سیاست‌های واشنگتن، راه بازگشت تحریم‌ها هموار کرد.»

استاد ژئوپلیتیک در تحلیل ابعاد سیاسی این رویداد تأکید می‌کند که «اکنون شورای امنیت در وضعیت پیچیده‌ای قرار گرفته است. از یک‌سو، آمریکا و اروپا در پی اعمال مجدد تحریم‌ها هستند و از سوی دیگر، چین و روسیه با اتکا به روند غیرقانونی طی شده توسط تروئیکا در برابر آن ایستاده‌اند». با چنین برداشتی، فرجی‌راد به «هفت صبح» می‌گوید: «مانند گذشته دست آمریکا برای اعمال تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران باز نیست. هرچند سازمان ملل ناگزیر است بر اساس تصمیمات شورای امنیت عمل کند، اما مخالفت دو عضو دائم،

یعنی چین و روسیه، می‌تواند مانع از اجرایی شدن کامل این تحریم‌ها شود.»

به تعبیر او، «همین مقاومت می‌تواند موجب «لوٲ شدن» تحریم‌ها شود و ایران، در تعامل با شرکای شرقی خود، راه‌هایی برای تداوم مبادلات اقتصادی پیدا کند؛ مبادلاتی که دیگر بر پایه دلار نیست و از مسیرهایی جایگزین انجام می‌شود.» مفسر ارشد سیاست خارجی، بر این باور است که «چین در این مرحله نقش تعیین‌کننده‌ای دارد». چراکه به گفته او، «اقدام اخیر کشتی‌های ایرانی در فعال کردن علامت دریایی خود پس از پایان رسمی محدودیت‌ها، نشانه‌ای از هماهنگی پکن با تهران است». فرجی‌راد باور دارد که «چینی‌ها اگر به تجارت با ایران ادامه دهند، می‌توانند نقش کلیدی در بی‌اثر کردن تحریم‌های جدید ایفا کنند. هرچند مبادلات ما با روسیه هنوز محدود است اما چین به‌تنهایی قادر است بخشی از فشارها را خنثی کند.» کارشناس حوزه برجام در ادامه، به ریشه‌یابی ۱۰ ساله فروپاشی توافق هسته‌ای می‌پردازد و با نگاهی آسیب‌شناسانه یادآور می‌شود: «هیچ‌کس پیش‌بینی نمی‌کرد دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ به قدرت برسد و توافقی را که ثمره سال‌ها مذاکره بود، درهم بشکند. خروج او در اردیبهشت ۱۳۹۷ و ناتوانی اروپا در مقابله با آن، عملاً برجام را به کما برد.» او با اشاره به شکست سازوکار مالی اینستکس و انفعال شرکت‌های اروپایی، تأکید می‌کند که «وابستگی شدید اقتصادی و امنیتی اروپا به آمریکا، سبب شد تا اروپا نه‌تنها نتواند توافقی را حفظ کند، بلکه با پیروی از تحریم‌ها و واشنگتن، خود نیز در نقض تعهدات شریک شود.» فرجی‌راد می‌افزاید که «ایران نیز در واکنش، ناگزیر به اجرای پنج گام کاهش تعهدات شد؛ گام‌هایی که به تدریج سطح غنی‌سازی را تا ۶۰ درصد رساند و در نهایت، برجام را در وضعیت مرگ مغزی قرار داد.» با این حال، او تصریح می‌کند که «بخش مهمی از این سرنوشت، نتیجه مجموعه‌ای از عوامل بین‌المللی و تحولات ژئوپلیتیکی بوده است که از کنترل ایران خارج بود.»





# مرگ مرموز فوک های خنری

## چهار لاشه جدید از تنه‌ها پستاندار خزر در گیلان کشف شد

**بافت صبح** بررسی‌ها نشان می‌دهد که سازمان حفاظت محیط زیست هیچ آمار تجمیعی درباره تلفات فوک‌های خزری در نوار شمالی کشور بر روی وبسایت خود ارائه نداده است اما برخی رسانه‌ها به نقل از این سازمان، آمار رسمی تلفات فوک خزری را ۵۴ نفر، بیش از ۹۸ فوک در سواحل شمال کشور به دلایل نامعلوم تلف شده‌اند. گویا فوک‌های خزری درگیر مرگ می‌شود روزانه ۲۶ تا ۱۴۰۴ نفر.



مهمی در توازن زنجیره غذایی ایفا می کند، اما در سال های اخیر جمعیت تنها پستاندار خزر رو به کاهش گذاشته و این کاهش جمعیت، زنگ خطر برای از دست رفتن توازن حیات در دریای شمال ایران را به صدا در آورده است.

**ثبت ۴۴** مورد تلفات در مازندران  
بر اساس آمارهای منتشر شده در رسانه‌ها، بحران‌های طبیعی و آلودگی‌های ناشی از توسعه زیستی اداره کل حفاظت محیط زیست مازندران آمار آلودگی‌های کشف شده فک خوری در این استان از ابتدای سال جاری تا پایان شهریور ۱۴۰۴ را ۴۴ قلابه اعلام می‌کند. از پس از کشف آلودگی یک قلابه فک خوری در وضعیت پیشرفته فساد در سواحل جویبار به رسانه‌ها می‌گوید که به علت فساد بیش از حد لاشه امکان کالبدگشایی و تعیین دقیق علت مرگ مورد کشف شده، فراهم نیست.

معدنکاو این بار به سراغ دو قنات در بخش دلفارد رفتند  
۱۰۰ هکتار باغ و کشاورزی در خطر بی آبی

## مردم در برابر معدنکاوان تنها مانده‌اند

**لیلا مرگن**  
هفت صبح

می گویند که معدن در قلب فئات هایشان که تامین کننده آب شرب و کشاورزی روستا قرار دارد و در صورت بهره برداری از آن به دلیل قرار گرفتن معدن در زون آبی شهر جیرفت، امکان آلوده شدن منابع آب این شهر بزرگ جنوب کرمان هم وجود دارد.



شگاه علوم پزشکی طی نامه‌ای به آب منطقه‌ای اعلام کرده است که برداشت معدن در زون آبی شهر جیرفت، تواند بر سلامت منابع آب تاثیر منفی داشته باشد اما ن توجه به مدارک موجود، معدنکاوان بادرستور قاضی حال بهره‌برداری از معدن در بالادست این شهر هستند.

همکاری برای برداشت از معدن قبل از صدور حکم  
می دادگاه

این برش مطرح است که معدن روستای درب مار  
به اختیار چه عصری دارد که در سرزمین خشکی مثل  
ن، آب اِرقبانی کنند تا این ماده معدنی برداشت شود؟  
در فِعتی فعال محیط زیست در گفت و گو با «هفت صبح»  
سیح می دهد: چند سالی است که معدنکواران در گیر

برداشت از این معدن هستند. بر اساس اطلاعاتی که به ما داده شده است، ۱۴ عنصر در این معادن وجود دارد که گویا همه این عناصر گرانبها هستند.

از این ماندن اهالی روستا بر این نکته تاکید دارد که معین یاد شده در بالای زون آب هر شهر محسوب واقع شده و منطقه دلاردار در این منطقه بیلاقی محسوب می شود که مردم جیرفت در زمان افتخاری مدای هواسه آن پناه می برند؛ بنابراین اگر فعالیت های معدنکاوی زمینه تخریب آن منطقه و الوده شدن منابع آب آن را فراهم کند، مردم منطقه جنوب کرمان به مشکل بر می خورد. رفتی از شکایت اهالی روستابرای احقاق حقوقشان در دادگاه خبر می دهد و می گوید که هنوز هم جبران این شکایت ادامه دارد اما گویا معدنکاوان قبل از صدور رای قطعی دادگاه

۶۰ فوک‌های خزر در اسکله‌های خلوت آرام می‌گرفتند، حالا دیدن فوک‌های زنده تبدیل به آرزو شده و لاشه‌های در حال متلاشی شدن، سهم ساکنان نوار ساحلی شمال کشور از زیبایی‌های خزر است. متأسفانه هیچ دلیلی هم برای مرگ مرز فوک‌های خزری ارائه نشده است و متولیان امر می‌گویند که تحقیقات ادامه دارد.

در این باره به ساحتی می آید، پوشیده شده اند. به همین  
 دلیل امکان نمونه برداری از بافتها وجود ندارد. و  
 هنوز در مورد مشخصه های سرگام و میرام  
 کشف اطلاعاتی نشده است که  
 احتمالاً نظیر تانبر کفش را از آ

مرگ در دریا

در حالی که مردم به خاطر می‌آورند در دهه



سویک دست نوشته از سوی دادگاه بر روی  
گرفتن از نیروی انتظامی کار را در منطقه

طریقت زیست تاکید می‌کند: حتی اگر دادگاه نفع مردم صادر کند، از آنجا که خود دادگاه حکم نهایی روی نامه، دستور آغاز به کار به دست، نمی‌تواند جلوی فعالیت معدنکاران را خواهد کرد و ضرر و زیان مردم را جبران کند. به این فرد اجازه فعالیت داده است.

طریقت زیست از استعمال در مناطق آزاد سلامت منابع آب یک شهر ۱۳۰ هزار روستایی با ۶۰۰ نفر جمعیت در معرض قرار دارد، محمد کمالی رئیس اداره طریقت زیست جیرفت در گفت و گو با «هفت تن» تنها سازمان ناظر در رابطه با رعایت ی محیط زیستی از جریان استعلامات مناطق آزاد خبر می دهد.

بخش دلفاراد در مناطق تحت حفاظت محیط زیست قرار ندارد و دستگاه فده منابع طبیعی و آب منطقه‌ای هستند و فعالیت معادن پاسخ دهند. در دور دوم محیط زیست از لیست دستگاه‌های اسلام معدن در تمام مناطق آزاد حذف شد و در طر زمان فعالیت در مناطق تحت حفاظت اسلام از ما دریافت می‌شود. بدهی است کافی درباره این مناطق داریم اما منطقه بوط به حوزه وزارت نیرو و سازمان منابع

## سکوت منابع طبیعی

سازمان حفاظت محیط زیست از چرخه فلام برای فعالیت‌های معدنکاوایی حرف می‌زند. مدیر کل منابع طبیعی جعفر تگرار «هفت صبح» را نمی‌شناسد و نتیجه رسمی اطلاعات مرتبط با معدن را از تراج خواهد کرد، از پاسخگویی در رابطه با رویه بهره‌برداری معدن در دلفارد خودداری می‌کند. تگرار «هفت صبح» به علی خادم دول معاونت حفاظت و امور اراضی سازمان آبپخش‌داری کشور نیز بدون پاسخ می‌ماند. انیمجرام متولیان امر تصمیم گرفته‌اند آب برای معدنی‌داری کنند. اگر بهره‌برداری از رود، آب‌اندازی برای تامین آب جمعیت‌ها نه‌اندیشیده شده است؟

[illegible]





گروه فرهنگ و هنر | در روزگاری که موسیقی پاپ و فضای مجازی بخش بزرگی از ذائقه شنیداری مردم را شکل می‌دهد، فستیوال‌ها به پناهگاه صداهای اصیل ایران تبدیل شده‌اند؛ جشن‌هایی که از دل مردم برمی‌آیند و به جای سالن‌های مجلل، در میدان‌ها، ساحل‌ها و کوچه‌های قدیمی برپا می‌شوند. جوانان نسل تازه، با شوق و ایمان به ریشه‌های فرهنگی، ساز پدر بزرگ‌ها را از صندوق بیرون آورده‌اند و به زبان زمانه‌شان بازگو کرده‌اند. فستیوال‌ها فرصتی فراهم کرده‌اند تا نغمه‌هایی که سال‌ها در سایه فراموشی بودند، دوباره به گوش برسند. هر بار که صدای دوتار، دف، نی‌انبان یا دهل در هوای شهر طنین می‌اندازد، گویی تکه‌ای از حافظه جمعی این سرزمین دوباره زنده می‌شود.

بر خوردهای سلیقه‌ای با فستیوال‌های بومی ادامه دارد

# صدای مردم لغونمی شود

● در زمانه‌ای که موسیقی تجاری گوش‌ها را پر کرده، صدای ریشه‌ها هنوز شنیده می‌شود

● فستیوال‌های بومی در برابر سیاست‌های ناپایدار فرهنگی ایستاده‌اند



● کوچه؛ بازگشت صدا به مردم

در کوچه‌های باریک بوشهر، شب‌ها با صدای دمام و نی‌انبان روشن می‌شود. جمعیت در امتداد سنگ‌فرش‌ها ریتم می‌گیرند و نسیم دریا عطر شور را با صدای ساز در می‌آمیزد. این تصویر، چکیده فستیوال «کوچه» است؛ روپدادی که با نیتی ساده آغاز شد: بازگرداندن موسیقی بومی جنوب به دل مردم. احسان عبدی‌پور و چند هنرمند جوان تصمیم گرفتند موسیقی را از صحنه‌های رسمی به خیابان بازگردانند. نخستین دوره با اجرایی کوچک در قهوه‌خانه‌های قدیمی برگزار شد و همان‌چند اجرا کافی بود تا مردم از سراسر کشور با شوق راهی بوشهر شوند. فستیوال کوچه در مدت کوتاهی از یک رویداد محلی به جشنی ملی بدل شد و گروه‌هایی از جنوب، شمال، کردستان و خراسان در کنار هم نواختند. عبدی‌پور هدفش را ساده بیان کرده است: «حال خوب مردم». به همین دلیل اغلب اجراها رایگان‌اند و هنرمندان بدون وابستگی به نهادهای می‌نوازند. با این حال، امسال برگزاری فستیوال کوچه نیز با مشکل روبه‌رو شد و تا آستانه لغو پیش رفت، اما با پادرمیانی و حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توانست تا روز آخر ادامه یابد و با استقبال گسترده مردم به پایان برسد. این رویداد نشان داد که با گفت‌وگو، تدبیر و درایت، می‌توان میان سنت، مردم و نهادهای رسمی توازن برقرار کرد.

● کاوان؛ موسیقی در آغوش دریا و بازگشت با تدبیر در جزیره قشم، فستیوال موسیقی و هنر «کاوان» با همان شور مردمی و حال و هوای جنوبی شکل گرفت؛ جشنی که قرار بود در مهرماه با حضور گروه‌های محلی و هنرمندان نام‌آشنای موسیقی ایران برگزار شود. اما در شب نخست، افتتاحیه در اسکله سهیلی ناگهان لغو شد و بسیاری از علاقه‌مندان نگران سرنوشت آن شدند. در ادامه، پس از بازتاب فراوان رسانه‌ای و با برگزاری جلسه شورای تأمین استان و بررسی ابعاد مختلف موضوع، رای به تداوم برگزاری این فستیوال داده شد و صبح روز بعد، مجوز رسمی صادر گردید.

با این تصمیم، کاوان از بحران عبور کرد و بار دیگر صدای ساز در جزیره طنین‌انداخت. اما در میانه این جریان، اظهار نظر بابک رضایی، مدیر دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، واکتس‌های فراوانی برانگیخت. او در گفت‌وگویی رسانه‌ای اعلام کرد که هیچ مجوزی برای این فستیوال از سوی وزارت ارشاد صادر نشده و برگزار کنندگان را به بی‌توجهی و عدم رعایت قانون متهم کرده؛ در حالی که وظیفه نهاد متبوع او، پیش از هر چیز، حمایت و تسهیل فعالیت‌های هنری است نه صدور احکام بازدارنده از پشت میز. چنین موضع‌گیری‌هایی بیش از آنکه از دغدغه قانون‌مداری نشأت گیرد، از ناشنایی با واقعیت‌های فرهنگی مناطق محلی و ظرفیت‌های مردمی هنر سرچشمه می‌گیرد.

فستیوال‌هایی چون کاوان نه تهدید که فرصت‌اند؛

فرستی برای حضور مردم در کنار هنرمندان، برای پیوند فرهنگ با زندگی. تجربه قشم نشان داد که با درایت و همراهی جامعه هنری، می‌توان بحران را به همدلی بدل کرد. آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد، نگاهی مسئولانه و حمایتی از سوی نهادهای رسمی است؛ نگاهی که به‌جای لغو و حذف، زمینه تداوم صداهای بومی را فراهم آورد، صداهایی که از دل مردم برمی‌خیزند و خاموش کردنی نیستند.

● آیین‌ها و صداهای هوستان

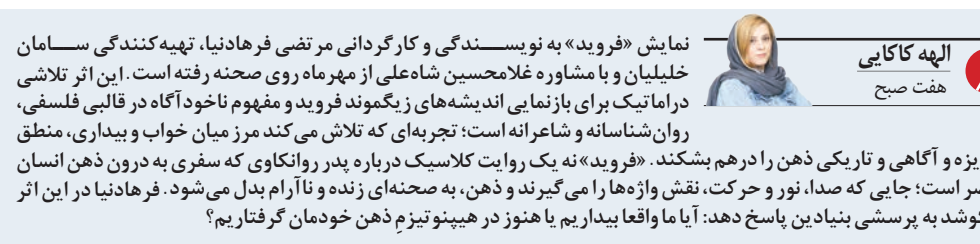
در غرب کشور، آیین باستانی پیرشالیار در اورامان کردستان هر زمستان با حلقه‌های دف‌نوازی و سماع برگزار می‌شود. این مراسم ترکیبی از باور، موسیقی و آیین کهن است و جوانان در کنار پیران می‌نوازند. صدای دف در کوه‌های پیچ‌و‌از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. حضور گردشگران برای دیدن این آیین، انگیزه جوانان محلی برای پاسداشت میراث خود را دوچندان کرده است. پیرشالیار یادآور این است که موسیقی نواحی جزئی از زندگی روزمره مردم است، نه میراثی موزه‌ای.

● از چاپهار تا خراسان؛ خیزش صداهای فراموش‌شده در شرق کشور نیز فستیوال‌هایی چون «زیمل» در چاپهار با حضور گروه‌های بلوچ و هنرمندان بین‌المللی جلوه‌ای تازه از موسیقی جنوب شرق را به نمایش گذاشت‌اند. سازهای کوبه‌ای در کنار دوتارهای قدیمی، ترکیبی پرانرژی از ریتم و حرکت آفریده‌اند. هدف

گفت‌وگو با مرتضی فراه‌دینا، کارگردان نمایش «فروید»

## ذهن، صحنه اصلی نمایش است

نمایش «فروید» اثری فلسفی و روان‌شناسانه است که با فرم ذهنی و شاعرانه ناخودآگاه انسان را بر صحنه می‌آورد



نمایش «فروید» به نویسندگی و کارگردانی مرتضی فراه‌دینا، تهیه‌کنندگی سامان خلیلیان و با مشاوره غلامحسین شاه‌علی از مهرماه روی صحنه رفته است. این اثر تلاشی دراماتیک برای بازنمایی اندیشه‌های زیگموند فروید و مفهوم ناخودآگاه در قالبی فلسفی، روان‌شناسانه و شاعرانه است؛ تجربه‌ای که تلاش می‌کند مرز میان خواب و بیداری، منطق و غریزه و آگاهی و تاریکی ذهن را درهم بشکند. «فروید» نه یک روایت کلاسیک درباره پدر روانکاوی که سفری به درون ذهن انسان معاصر است؛ جایی که صدا، نور و حرکت، نقش واژه‌ها را می‌گیرند و ذهن، به صحنه‌ای زنده و ناآرام بدل می‌شود. فراه‌دینا در این اثر می‌کوشد به پرسشی بنیادین پاسخ دهد: آیا واقعاً یقین داریم یا هنوز در هیپنوتیزم ذهن خودمان گرفتاریم؟



که تماشاگر نتواند با اثر ارتباط برقرار کند؟

راستش بله، در ابتدا نگران بودم. همیشه خطر وجود دارد که وقتی روایت از مسیر عادی فاصله می‌گیرد، تماشاگر سردرگم شود. اما برای من مهم بود که تماشاگر درگیر تجربه شود، نه صرفاً قسه. «فروید» از تماشاگر نمی‌خواهد که بفهمد چه می‌بیند؛ از او می‌خواهد احساس کند در ذهن یک انسان است. من در زندگی روزمره هم اغلب درگیر تصاویر، خاطرات و ترس‌های گسسته‌ای هستم که منطق زمانی ندارند. بنابراین این فرم برای من نوعی صاف بودن با واقعیت ذهن بود. اگر ذهن بی‌نظم است، چرا تئاتر ذهن باید منظم باشد؟ در تمرین‌ها به بازیگران گفتم که به‌جای «اجرا کردن»، باید «رویا ببینند». همین صمیمیت باعث شد مخاطب هم وارد فضا شود. تماشاگر نه بیننده بیرونی که ناظر ذهنی است.

● در فرم اجرایی نمایش، نوعی ناآرامی ذهنی و فشار روانی به مخاطب منتقل می‌شود. آیا ایجاد این اضطراب و تنش بخشی از هدف نمایش بوده است؟

بله، اضطراب بخش عمده‌ای از هدف نمایش است، نه نتیجه جانبی آن.



این نمایش با همراهی گروهی از هنرجویان و دانشجویان جوان تئاتر شکل گرفته و با فرم متفاوت و اجرایی چندلایه، مخاطب را به تجربه‌ای روانی، فلسفی و احساسی دعوت می‌کند. در «فروید»، تماشاگر صرفاً شاهد یک داستان نیست، به درون ذهن شخصیت‌ها کشیده می‌شود؛ ذهنی که در آن پدر، پسر و مادر تنها کاراکتر نیستند، نمادهایی از قانون، غریزه و عشق‌اند. در ادامه، گفت‌وگوی هفت‌صبح را با مرتضی فراه‌دینا درباره شکل‌گیری ایده، فرم اجرایی، تجربه‌گرایی در تئاتر امروز ایران و رابطه میان دانشگاه و صحنه می‌خوانید؛ گفت‌وگویی که پیش از هر چیز، نگاهی است به تئاتری که می‌خواهد انسان را با ناخودآگاه خودش روبه‌رو کند.

● در ابتدا کمی درباره ایده و شکل‌گیری نمایش «فروید» بفرمایید. این ایده از کجا آغاز شد و روند تبدیل آن به نمایش صحنه‌ای چطور شکل گرفت؟

ایده از یک تصویر آغاز شد: پدری که سعی می‌کند ذهن پسرش را با هیپنوتیزم درمان کند اما خودش در ذهن او گرفتار می‌شود. از همان لحظه برای من روشن بود که با یک روایت خطی طرف نیستم و با سفری ذهنی سروکار دارم. از یک جایی به بعد فهمیدم که «فروید» قرار است درباره خود فروید نباشد، باید درباره مفهومی در این اثر، ناخودآگاه به یک صحنه فیزیکی



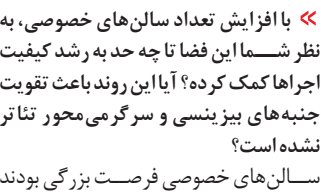
و ابهام بوده. او از سینمای ذهنی، بازی‌های زمانی و روایت‌های چندلایه نمی‌ترسد. مشکل وقتی پیش می‌آید که کارگردان بخواهد برتری خودش را به او تحمیل کند. من در این نمایش، تماشاگر را هم‌سفر می‌انسم، نه دانش‌آموز. او آزاد است که بخش‌هایی را درک نکند؛ همانطور که ذهن خودش را هم کامل درک نمی‌کند. اگر تماشاگر از سالن بیرون برود و حتی چند دقیقه در سکوت به خودش فکر کند، یعنی ارتباط برقرار شده.

● آیا نمایش‌های وفادار به روح کلاسیک و اصالت تئاتر می‌توانند از نظر اقتصادی در فضای امروز تئاتر ایران دوام بیاورند؟

من معتقدم هر سبکی که از صداقت بیاید، نمی‌میرد. نمایش‌های کلاسیک یا روانشناختی، اگر با زبان امروز بازتولید شوند، هنوز زنده‌اند. مشکل نه در فرم است و نه در قصه، در فقدان ضرورت است. تماشاگر، حتی اگر خسته یا ناامید باشد، به حقیقت واکنش نشان می‌دهد. در فضای اقتصادی امروز، بافت‌دشوار است؛ اما اگر تئاتر برای بیان نیاز درونی ساخته شود، نه برای پر کردن سانس، خودش راهش را پیدا می‌کند. تئاتر راستگو همیشه مخاطب خودش را دارد.

● شما به‌عنوان فردی دانشگاهی، وضعیت ارتباط میان دانشگاه و فضای عملی تئاتر را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا دانشگاه می‌تواند مسیر مؤثری برای موفقیت هنرمندان تئاتر باشد؟

دانشگاه اگر فقط آموزش بدهد، بی‌ثمر است؛ باید تجربه تولید کند. من همیشه فکر کرده‌ام که صحنه باید ادامه کلاس درس باشد، نه جایگزینش. در دانشگاه، دانشجو یاد می‌گیرد تحلیل کند اما در صحنه یاد می‌گیرد بفهمد. تئاتر «فروید» حاصل همکاری چند نسل از دانشجویان است. هدف من این بود که تجربه‌ای واقعی برایشان بسازم؛ جایی که اشتباه کردن بخشی از فرایند یادگیری باشد. دانشگاه زمانی مؤثر است که به دانشجویان اجازه دهد شکست بخورد و دوباره بسازد.



● با افزایش تعداد سالن‌های خصوصی، به نظر شما این فضا تا چه حد به رشد کیفیت اجراها کمک کرده؟ آیا این روند باعث تقویت جنبه‌های بیزینسی و سرگرمی‌محور تئاتر نشده است؟

سالن‌های خصوصی فرصت بزرگی بودند تا تئاتر از تمرکز دولتی بیرون بیاید. اما در عین حال باعث شکل‌گیری نوعی بازار مصرفی هم شدند؛ جایی که گاهی کیفیت فدای فروش می‌شود. من با اصل خصوصی بودن مخالف نیستم، با تجاری شدن بی‌رویه مخالفم. سالن خصوصی باید خانه جسارت باشد، نه بازار تفریح. تا وقتی تئاتر به‌جای مخاطب فکر کند، دنبال مشتری می‌گردد، خطر از بین رفتن روح تئاتر وجود دارد. تجارت و اندیشه می‌توانند باهم باشند، به شرطی که اولویت با اندیشه بماند.

● نقش و میزان حمایت‌های دولتی از تئاتر را چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا دولت باید همچنان حامی باشد یا بهتر است صرفاً نقش ناظر را ایفا کند؟

تئاتر بدون حمایت دوام نمی‌آورد، اما نوع حمایت باید تغییر کند. دولت نباید در محتوا دخالت کند، بلکه باید فضا و امنیت فراهم کند؛ مثل خاکی که در آن گیاه رشد می‌کند. حمایت باید غیرمستقیم، ساختاری و پایدار باشد، نه مودی و سلیقه‌ای. اگر به‌هرمند اعتماد شود، خودش کیفیت را بالا می‌برد. تئاتر با نظارت خشک از بین می‌رود، اما با رهاسازی بی‌مسئولیت هم رشد نمی‌کند. ما به نظمی آزاد نیاز داریم؛ چیزی میان ساختار و خلاقیت.



## انتشار ویدئوی تنبیه فیزیکی دانش آموزی در مدرسه‌ای در پرنده با اعتراض‌های بسیاری مواجه شد

# دور باطلِ کتک زدن و پشیمانی در مدارس

**مدیر کل آموزش و پرورش استان تهران: معاون متخلف تا رسیدگی به پرونده‌اش حق حضور در مدرسه را ندارد. قرار است امروز پرونده تکمیل و رای نهایی در مورد ادامه فعالیت وی صادر شود**

#### پرونده‌ای قطور از حوادث

تنبیه دانش آموزان در مدرسه سابقه‌ای بس طولانی و حتی تاریخی دارد. از فلک کردن‌های کودکان در مکتب خانه‌ها تا گذاشته شدن خودکار لای انگشتان دست و فشار آن توسط معلم و ناظم و یا یک پالیستان در گوشه کلاس یا حتی چک و سیلی خوردن از معلم. حالا اما به لطف گوشی‌ها و فضای مجازی این اخبار و تصاویر تنبیه‌ها، به سرعت در فضای مجازی منتشر می‌شوند تا نشان دهند که در قرن حاضر هم کم نیستند معلمانی که اعتقاد دارند تنبیه فیزیکی بهترین شیوه مواجهه با دانش آموزان خاطی یا کم کار و بی‌ادب است! کافی است مروری داشته باشیم به حوادث مشابه هم برخی از موارد تنبیه دانش آموزان طی یک دهه گذشته تا ابعاد مسئله برایمان روشن تر شود. از تجمع اولیاء دانش آموزان دوره نخست دبیرستان علامه طباطبایی شاهرود به خاطر تنبیه بدنی فرزندانشان در سال ۱۳۹۴ تا تنبیه یک دانش آموز کلاس هشتمی دارایی با کمربند معلمش در سال ۱۳۹۷. از کوبیدن سر یک دانش آموز ۹ ساله مشهدی به خاطر بلد نبودن درس ریاضی به دیوار در سال ۱۳۹۷ تا تنبیه با شلنگ توسط معلم ورزش در مدرسه‌ای ماهشهری در همان سال. از بدن قرمز شده دانش آموز بوشهری که با خط کش معلمش تنبیه شده بود در سال ۱۳۹۷ تا کتک خوردن یک دانش آموز کلاس یازدهمی در رباط کریم در سال ۱۳۹۸. از ضرب و شتم یک دانش آموز دبیرستانی در شیراز توسط معلم در سال ۱۴۰۱ تا کتک خوردن دانش آموز دبیرستانی دیگر در رفسنجان در سال ۱۴۰۳ و بالاخره تنبیه دسته جمعی همه دانش آموزان یک کلاس در مدرسه‌ای روستایی از توابع سمنندج در فروردین ماه امسال.

#### دو حادثه در یک ماه

بعد از آن نیز در مهرماه و چند روز قبل از حادثه پرنده، حادثه‌ای دیگر در قزوین رخ داد که در آن دو دانش آموز به خاطر آنکه ادای ناظم را درآورده بودند توسط مدیر مدرسه به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و یکی از آنها از ناحیه بینسی دچار شکستگی شده و برده گوشش هم پاره شده بود.

گرچه کمتر کسی تصورش را هم می‌کرد که قرار است چند روز بعد حادثه مشابهی، اینبار در پرنده رخ دهد! حادثه‌ای که در آن ناظم یک مدرسه در حیاط و جلوی چشم بقیه، یکی از دانش‌آموزان که اتفاقا جزو اتباع بوده را زیر مشت و لگد گرفته است. اینبار اما آموزش و پرورش سریعتر عمل کرده و فرد خاطی را از کار معلق و سایر کارکنان مرتبط را از کار برکنار کرد. بسا این حلال پیگیری‌های «هفت صبح» برای کسب اطلاع از جزئیات بیشتر ماجرا با پاسکاری مسئولان روابط عمومی این وزارتخانه، راه به جایی نبرد چرا که همه آنها با از ماجرا اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند و یا با گفتن این جمله که: ما حرف‌هایمان را از اطلاعیه صادره گفته‌ایم، تلاش می‌کردند تا از زیر پاسخگویی به این حاشیه‌های پیش آمده در این زمینه، شانه خالی کنند.

#### آموزش و پرورش: به شدت برخورد می‌کنیم

«یوسف بهارلو» مدیر کل آموزش و پرورش استان تهران اما می‌گوید که تنبیه دانش آموزان خط قرمز ماست و هیچ توجیهی برای آن پذیرفته شدنی نیست. وی در گفت‌وگو با «هفت صبح» در مورد حادثه رخ داده می‌گوید: ما هم از طریق همان فیلمی که شما و سایر هموطنان در فضای مجازی دیده‌اید، از

#### جامعه

روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۱۷۶ | یکشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۲



**حمیدرضا خالدي:** حیاط مدرسه بیخ تا بیخ بر است از دانش آموزان پسری که به نظر می‌رسد در مقطع متوسطه درس می‌خوانند. بچه‌هایی با پیراهن تیره که گویا لباس فرم مدرسه‌شان است. مردی میانسال با موهای جوگندمی دنبال یکی از دانش آموزان کرده

و هر وقت که به وی می‌رسد چک و لگدی را نثارش می‌کند. لگدهایی چنان محکم که چندین بار پسر دانش آموز را نقش بر زمین می‌کند. تصاویری واقعی از یک ویدئوی ۱۶ ثانیه‌ای که توسط یکی از همسایگان مجاور مدرسه گرفته و در کمتر از یک روز به یکی از پربازدیدترین کلیپ‌های فضای مجازی در کشور بدل شده است. این کلیپ که گفته می‌شود مربوط به مدرسه‌ای در پرنده از توابع رباط کریم است، در حالی منتشر می‌شود که هنوز چند روزی بیشتر از انتشار خبری در مورد ضرب و شتم دانش آموز دیگری در قزوین توسط ناظم مدرسه نمی‌گذرد. موضوعی که در نهایت منجر به برکناری آن فرد که گویا معاون مدرسه بوده و دلجویی از دانش آموز مورد ضرب و شتم قرار گرفته که گفته می‌شود جزو دانش آموزان اتباع است، شد. گرچه به گفته مدیر کل آموزش و پرورش استان تهران این دانش آموز ایرانی است و خوشبختانه در حادثه مزبور جراحتی نیز به وی وارد نشده است.

از سویی یکی از همکاران ما رخ داده که قابل اغماض نیست و باید به آن رسیدگی شود. برای پرورش استان تهران است، سرعیا و در کمتر از چند ساعت، همکارانمان را جهت بررسی به آنجا اعزام کردیم. وی در مورد جزئیات این حادثه نیز می‌گوید: این حادثه چند روز قبل و در یک مدرسه دوره متوسطه پسرانه رخ داده است. براساس گزارش همکارانم گویا دانش آموزی که در فیلم می‌بینید و در مقطع متوسطه اول درس می‌خواند، هنگام مراسم صبحگاهی، یک حرکت نامناسب و شیطنت‌آمیز و بی‌انضباطی را مرتکب شده که باعث می‌شود تا معاون مدرسه که در محل حاضر بوده عصبانی شود و برخورد ناشایستی که دیدید را با وی داشته باشد. بهارلو با ذکر اینکه معاون مربوطه تا رسیدگی به پرونده‌اش حق حضور در مدرسه را ندارد، می‌گوید: قرار است امروز-شنبه- با فردا پرونده تکمیل شود و سپس رای نهایی در مورد ادامه فعالیت وی صادر گردد. مدیر کل آموزش و پرورش استان تهران همچنین در خصوص ادعاهای مطرح شده در مورد اینکه دانش آموز مورد آموزش واقع شده از اتباع کشور افغانستان بوده است، نیز می‌گوید: بر خلاف شایعات مطرح شده، دانش آموز مزبور ایرانی است. گرچه برای ما اصلا این موضوع اهمیتی ندارد. به هر حال تخلفی

دانش آموز یاد شده وارد آمده نیز می‌گوید: این موضوع اهمیتی ندارد. به هر حال تخلفی ندارم، بعد از اینکه چاره جویی‌ها و راهنمایی‌های تربیتی مؤثر واقع نشد با رعایت تناسب به یکی از روش‌های زیر مورد تنبیه قرار می‌گیرند. تذکر شفاهی به طور خصوصی- تذکر و اخطار شفاهی دانش آموزان کلاس مربوط، تغییر کلاس، با اطلاع ولی دانش آموز، اخطار کتبی و اطلاع به ولی دانش آموز، موقت از مدرسه با اطلاع قبلی ولی دانش آموز، حداکثر برای مدت سه روز و انتقال به مدرسه‌ای دیگر اما اجرای احکام بر عهده چه شخص یا شخصی است؟ طبق ماده ۷۸ تنبیهات ۱ و ۲ بر عهده معلم و مربی و بند ۳ بر عهده مدیر و بند ۴ و ۵ پس از موافقت شورای مدرسه با مدیر است؛ ولی در مورد بند ۶ علاوه بر تأیید شورای مدرسه، موافقت اداره آموزش و پرورش نیز ضروری است. با این حال اگر پس از کلیه این مراحل دانش آموز باز هم سر به راه و اصلاح نشد با وی چه باید کرد؟ سوالی که ماده ۸۰ آئین‌نامه اجرایی مدارس، مصوب شورای عالی آموزش و پرورش در پاسخ به آن اینگونه تعیین تکلیف کرده است: در نهایت اگر دانش آموزی از منطقه‌ای به منطقه‌ای دیگر منتقل شد و تشخیص داده شد که موجب انحراف و گمراهی دانش آموزان دیگر می‌شود با تأیید شورای مدرسه و موافقت اداره آموزش و پرورش در نوبت اول از حضور در مدارس منطقه و برای نوبت دوم تا مدتی که اداره کل آموزش و پرورش تعیین کند از حضور در کلیه مدارس محروم می‌شود و اولیای او خواسته می‌شود تعلیم و تربیت فرزند خویش را بیرون از مدرسه بر عهده بگیرند. همانطور که دیده می‌شود، تنبیه‌های مجاز برای دانش آموزان در قانون عبارت است از: تذکر و اخطار شفاهی به‌طور خصوصی، تذکر و اخطار شفاهی در حضور دانش آموزان کلاس مربوط؛ تغییر کلاس در صورت وجود کلاس‌های متعدد در یک پایه با اطلاع ولی دانش آموز، اخطار کتبی و اطلاع به دانش آموز، اخراج موقت از مدرسه با اطلاع قبلی ولی دانش آموز به مدت حداکثر سه روز و بالاخره انتقال به مدرسه دیگر.

چنین شرایطی قرار گرفتند و توانستند در برابر فحاشی‌ها و بی‌ادبی‌های دانش آموزان آرامش خود را حفظ کنند، آن وقت باید دستورالعمل صادر کنند! چرا وزیر و مسئولان از کارکنانشان حمایت نمی‌کنند؟ آنهم معلم‌هایی که مجبورند با بچه‌های امروزی سروکله بزنند که متأسفانه به شدت بی‌ادبی می‌کنند و احترام به معلم برایشان بی‌معناست. وی نفسی تازه می‌کند و در حالیکه سعی می‌کند تا خشمش را فروبخورد می‌گوید: مگر یک انسان در این شرایط سخت امروزی چقدر تحمل دارد که بتواند در برابر تحقیرها و فحاشی‌ها و بی‌احترامی‌های دانش آموزان فقط لیخند بزند و بگذرد؟!

#### وقتی که دانش آموز «معلول» است نه «علت»

محمد داوری، مشاور تربیتی و کارشناس آموزشی اما معتقد است که معلم و کادر آموزشی تحت هیچ شرایطی نباید دانش آموزان را مورد ضرب و شتم قرار دهد یا برخورد فیزیکی با آنها داشته باشد. وی در گفت‌وگو با «هفت صبح» می‌گوید: اصولاً هر محصلی در سنفت کودک و نوجوان قرار نمی‌گیرد که در مواجهه با آنها باید نگاه ما، نگاهی تربیتی باشد. چرا که اگر هم ناهنجاری‌هایی در رفتار و کردار آنها وجود دارد، دلیلش را باید در خانه و مدرسه و جامعه جستجو کرد که باعث می‌شود تا رفتار و گفتار وی ناهنجار شود. در واقع وی خودش قربانی است. بنابراین باید با نگاهی دلسوزانه به دنبال پیدا کردن ریشه‌های این ناهنجاری‌ها در نقاطی بیرون از شخصیت وی بود. وی با ذکر اینکه دانش آموز به هیچ عنوان نباید «مقصّر» تلقی شود می‌گوید: مدرسه نه دادگاه است و نه کانون اصلاح و تربیت و نه زندان بلکه کانونی است برای زندگی کردن. محلی که ممکن است دانش آموز در آن، اشتباهی را نیز مرتکب شود. در اینجاست که معلم باید اشتباهه وی را بررسی کند و برایش راهکار ارائه دهد ولی هیچ یک از کادر آموزشی حق ندارند با وی مقابله به مثل کرده یا وی را تنبیه فیزیکی کنند. داوری در مورد نهادهای زیر مجموعه‌ای که در آموزش و پرورش مسئول رسیدگی به تخلفات معلم‌ها در اینگونه موارد هستند نیز می‌گوید: در آموزش و پرورش هم دایره حقوقی، هم هیات تخلفات اداری و هم حراست مسئول رصد عملکرد معلم‌ها و پیگیری حوادثی اینچنینی هستند و براساس آیین‌نامه‌های موجود، در صورت بروز تخلف، با مسببین آن برخورد می‌کنند.

#### تشکیل یک کمیته فراموش شده!

اما شاید بد نباشد که بدانید، در سال ۱۳۹۳ و هم‌زمان با بالا گرفتن اعتراض‌ها در مورد افزایش مواردی از تنبیه بدنی در مدارس، حمیدرضا کفاش معاون وقت پرورشی و فرهنگی، کمیته‌ای که قرار بود وظیفه نظارت نامحسوس برای رصد تنبیه بدنی را عهده‌دار باشد تشکیل داد. با این حال به نظر می‌رسد به تدریج عملاین کمیته به حاشیه رفته و یا شاید منحل شده باشد چرا که هیچ یک از مخاطبان ما در آموزش و پرورش اصلاً خبری از فعالیت این کمیته ندارند!

#### گلیه‌های معلم‌ها از آموزش و پرورش

اما در این میان سخنان معلمان نیز شنیدنی است. داود یکی از همین معلم‌هاست که به «هفت صبح» می‌گوید: درست است که نباید دانش آموزان را تنبیه فیزیکی کرد اما واقعا تکلیف معلم در برابر دانش آموزان بی‌ادب چیست؟ چرا باید همیشه در هر شرایطی حق را به دانش آموز داد؟ اگر خود آقایان هم در

#### دشواری اداره مدارس امروزی

این مشاور تربیتی با تأکید بر اینکه باز هم نباید از یاد برد که دانش آموز محور اصلی هر مدرسه‌ای است می‌گوید: باید حقوق وی رعایت شود. البته باید از جایگاه معلم نیز حمایت شود. آنهم البته که در باتلاقی از انواع مشکلات کنونی دست و پا می‌زند. هم مشکلات معیشتی دارد و هم باید در کلاس‌های ۳۰-۴۰ نفری با بچه‌هایی سرو کله بزند که مانند دانش آموزان قدیم، مطیع و حرف گوش کن و درس خوان نیستند. دانش آموزانی که با کوله‌ای سنگین از مشکلات خانوادگی و فشارهای اقتصادی و سرخوردگی‌های اجتماعی به سر کلاس می‌آید و دنبال محلی می‌گردد تا آنها را خالی کند! واقعیت این است که در حال حاضر آسیب‌های اجتماعی در بین دانش آموزان و بخصوص بچه‌های مدارس جنوب شهر و مدارس حاشیه‌ای انقدر زیاد شده که توان کادر آموزشی را بریده است. در چنین شرایطی، باید آموزش و پرورش حقیقتا به فکر روش‌های جدیدی برای اداره مدارس و کلاس‌ها و بچه‌ها باشد که متأسفانه به نظر نمی‌رسد چنین اراده‌ای حداقل هم اینک وجود داشته باشد. بنابراین تا وقتی که چنین رویه‌ای وجود داشته‌باشد، همچنان باید منتظر شنیدن و خواندن اخبار حوادث گاه به گاه درگیری معلم با دانش آموزان باشیم!

#### گزارش

وعده ایمنی معادن چه زمانی عملی می‌شود؟

## سایه مرگ بر معادن زغال‌سنگ طبس



**سارا خادمی**  
هفت صبح

جمعه ۲۵ مهرماه، حادثه‌ای تلخ در معدن زغال سنگ طبس رخ داد که یک کارگر جان خود را از دست داد و دو نفر دیگر زخمی شدند. گزارش‌ها حاکی است که علت این حادثه، ریزش ناگهانی سقف تونل معدن بوده است. حادثه‌ای که بار دیگر نگرانی‌ها درباره ایمنی معادن زغال‌سنگ در کشور را افزایش داد. این واقعه ناگوار تنها یک سال پس از پرتلافت‌ترین حادثه معادن زغال سنگ ایران رخ می‌دهد. حادثه‌ای که اول مهر پارسال هم‌زمان با نواخته شدن زنگ مدارس در طبس اتفاق افتاد و منجر به مرگ ۵۳ معدنکار شد. آن حادثه که به عنوان یکی از تلخ‌ترین فجایع ۲۰ سال اخیر در معدن زغال سنگ کشور شناخته می‌شود، به دلیل انباشت و پخش ناگهانی گاز متان در تونل معدن شرکت معدنچو رخ داد و کارگران را در محاصره خفگی قرار داد. اما این حادثه تنها نقطه تاریک یک سال اخیر نبود. فروردین ماه امسال، معدن مهماندوبه دامغان نیز صحنه گازگرفتگی ناشی از منوکسید کربن شد که هفت نفر شامل چهار ایرانی و سه تبعه خارجی جان خود را از دست دادند. جالب آنکه این معدن یک ماه پیش از حادثه به دلیل نقض‌های ایمنی، اخطار یک ماهه دریافت کرده بود، اما بهربردار بدون توجه به هشدارها، به فعالیت خود ادامه داد. اکنون، در سومین حادثه مشابه، ریزش سقف در معدن دیگری در طبس جان یک کارگر را گرفت و دو نفر دیگر را مصدوم کرد. حادثه دو روز پیش نشان داد که با وجود تکرار فجایع، همچنان رعایت کامل ایمنی در معادن ما جایگاه واقعی خود را پیدا نکرده است. کارشناسان هشدار می‌دهند که ترکیبی از ضعف نظارت، استانداردهای ناکافی و علتهای فراوان دیگر، همچنان خطرات مرگبار را در معادن زغال سنگ ایران افزایش می‌دهد.

بنابر این تا زمانی که تجهیزات ایمنی مدرن و پایش دقیق در معادن برقرار نشود، چنین فجایع تکراری ادامه خواهند داشت. حادثه اخیر طبس، یادآور این است که حفاظت از جان کارگران و پیشگیری از حوادث باید در اولویت نخست قرار گیرد. چرا که هر ریزش سقف، هر انفجار گاز و هر حادثه کوچک می‌تواند به تلفات انسانی گسترده و اندوه جامعه معدنکاران منجر شود. پس از بروز این حادثه علی‌اشرفیان، معاون استاندار و فرماندار ویژه طبس با بیان اینکه معادن باید مجهز به تجهیزات ایمنی باشند گفت: پس از حادثه معدنجوی طبس که سال گذشته منجر به فوت ۵۳ کارگر شد، تمامی معادن منطقه به سمت استفاده از تجهیزات پیشرفته و رعایت اصول ایمنی حرکت کرده‌اند. با این وجود، این حادثه به دلیل ریزش شدید سقف معدن رخ داده و در شرایط فعلی جلوگیری از آن دشوار بود. گرچه وی به این موضوع اشاره‌ای نکرده است که چرا در بازندهای بازرسان، نایمن بودن این معدن را تشخیص ندادند و جلوی ادامه کار آن را نرگفتند؟!

#### نگاهی به حوادث سریالی معادن زغال سنگ ایران

حوادث معدن‌های زغال سنگ اما سابقه‌ای طولانی در بین حوادث کاری دارد. براساس گزارشی که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال گذشته منتشر کرد، نخستین حادثه ثبت شده در خصوص معادن زغال سنگ به ۲۸ مرداد ماه ۱۳۷۲ و معدن زغال سنگ «باب نیز» زرد باد بهشت نفر فوتی برمی‌گردد. چهار سال بعد نیز در اول تیر ۷۶ و تونل ۱۲ معدن زغال سنگ «سنگورد» گیلان ریزش کرد که در این حادثه ۲۱ نفر فوت شدند. در سومین حادثه که به تاریخ ۲۳ شهریور ۱۳۸۴ برمی‌گردد، معدن زغال‌سنگ باب نیزو زرد دوباره دچار حادثه شد و بر اثر آن ۹ نفر جان خود را از دست دادند و باز با تکرار تاریخ، چهار سال پس از آن حادثه و در ۴ آذر ۱۳۹۵ نیز در تونل ۴۳ نفر فوتی در اردیبهشت ۱۳۹۶، معدن «چشمه پودنه» کوهبنان با سه نفر فوتی در اسفند ۱۳۹۲، معدن «کیاسر» مرداد ۱۳۹۳ با ۲ نفر فوتی، معدن «زمستان یورت» (ادشهر) با ۴۳ نفر فوتی در اردیبهشت ۱۳۹۶، معدن «طرزه» دامغان با ۶ فوتی در شهریور ۱۴۰۲ و معدن زغال سنگ معدنچو طبس با ۵۲ فوتی در شهریور ۱۴۰۲، از جمله بزرگ‌ترین حوادث معادن زغال‌سنگ در کشور بوده‌اند. در گزارش وزارت کار آمده‌است؛ متان و سایر گازهای قابل اشتعال یا سمی یک واقعیت زندگی در معادن زغال سنگ هستند ضمن آنکه انفجارهای ناشی از گاز هم شایع‌ترین علت این بلایاست. در هر یک از این رویدادها، معدنچیان به دام افتاده می‌توانند توسط انفجار، آتش‌سوزی یا دودی که اتاق را پر می‌کند، کشته شوند. در معدن‌های با تهویه ضعیف، معدنچیان بر اثر استنشاق گاز بدون هیچگونه انفجاری جان خود را از دست داده‌اند. سقف یا دنده‌های معدن زغال‌سنگ (بویارهای معدن) ممکن است فرو بیزد و معدنچیان را به دام بیندازد. تجهیزات ممکن است با وقوع ریزش گاز کار بیفتند. برخی از بدترین شرایط ناشی از طغیان معادن و غرق شدن کارگران و شکست سدهای نگهداری فاضلاب و باطله بوده است که زباله‌های سمی مایع معدنی را به سمت مناطق پایین‌دست هدایت کرده و اکوسیستم‌ها منطقه را به هم زده و زندگی در آنجا را مختل می‌کند.

#### راهکارهایی در حد پیشنهاد!

این گزارش البته پیشنهادهایی اجرایی نیز برای جلوگیری و کاهش بروز این حوادث تلخ آن مطرح کرده که شامل؛ تدوین استانداردهای اجباری برای تجهیزات و ماشین‌آلات معدنی، استخراج معادن جهت شناخت عوارض زمین‌شناسی و میزان گاز خیزی معدن، اختصاص بخشی از حقوق دولتی معادن برای ارتقای ایمنی معادن، مکانیزه کردن، آموزش ایمنی و تهیه امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مرتبط با ایمنی، تأمین تجهیزات ایمنی معادن از طریق سازمان‌هایی مانند سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی (ایمیدرو)، عدم صدور مجوزهای جدید برای بهره‌برداری به شیوه سنتی و غیر ایمن، مشارکت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در تأیید صلاحیت مسئولان ایمنی شاغل در معادن (این مسئولیت در حال حاضر برعهده سازمان نظام مهندسی معدن است) و... است.

از سویی فعالان معدنی هم معتقدند که مهم‌ترین چالش‌های معادن زغال سنگ نبود معیاری شفاف برای تعیین قیمت زغال سنگ، ایمنی پایین معادن، عدم به کارگیری تکنولوژی و ماشین‌آلات روز دنیا در بهره‌برداری از معادن جهت تولید کانسازنه زغال سنگ با کیفیت قابل قبول و ویژگی‌های زمین‌شناسی معادن زغال سنگ ایران است.

#### پیدا کنید مسئولان را!...

همانطور که گفته شد، به نظر می‌رسد در بروز حوادث زغال‌سنگ، هم دلایل بروز آنها مشخص است و هم راهکارهای جلوگیری از وقوع آنها. با این حال گویا عزمی جدی برای اجرای این راه‌حل‌ها و ایمن‌سازی معادن زغال سنگ وجود ندارد. موضوعی که باعث می‌شود تا حادثه اخیر معدن طبس، آخرین حادثه از این دست نباشد و به احتمال قریب به یقین باید در آینده نیز دوباره منتظر وقوع و رخدادهایی مشابه و البته فوت و زخمی شدن کارگران آنها باشیم. اما چرا با وجود مشخص بودن تمام روابای وقوع حوادث معادن زغال سنگ نهادهای مرتبط هنوز تصمیم جدی برای ایمن‌سازی آنها ندارند؟ سؤالی که باید متولیان به آن پاسخ دهند!





**علی‌علیپور و امیر حسین حسین زاده را بیشتر بشناسید!**

## رقیبان باشخصیت در اردوی تیم ملی

علی‌علیپور و امیر حسین حسین‌زاده جزو بازیکنان باشخصیت و جنتلمن تیم ملی ایران هستند. در این فوتبال سه‌ نوع آدم وجود دارد؛ آدم‌های دسته اول خوب هستند اما نسبت به خودشان احساس خوبی ندارند. آنها فاقد خوداگاهی هستند، اعتماد به نفس زیادی از خود تراوش نمی‌کنند و به این دلیل از دیگران احترام نمی‌گیرند. سپس، افرادی هستند که در چیزی خوب نیستند اما مانند خودشان رفتار می‌کنند. این افراد خودشیفته‌های کاذب هستند و هیچ چیز بیشتر از خودشیفتگی باعث نمی‌شود که مردم به شما احترام

نگذارند. بالاخره دسته سوم بازیکنانی به شمار می‌روند که در کاری خوب هستند و نسبت به خودشان احساس خوبی دارند. چنین افرادی همگام هستند و مورد احترام دیگران. علی‌علیپور و امیرحسین حسین‌زاده را می‌توان در زمره دسته سوم

قرار داده. امیرقلعنویبی سرمربی تیم ملی نیز به این دو بازیکن نگاه دیگری داشته و همواره آنها را به اردوی تیم ملی دعوت کرده است. در اردوی امارات، علی‌علیپور کم‌حرف و آرام بود و در زمین هم بسیار جدی و با احترام به همبازیانش کار خود را دنبال می‌کرد.

او به بازیکنان همسن یا کم‌سن‌تر از خودش هم احترام می‌گذاشت و رفتاری نشان می‌داد که دیگران را هم وادار به احترام کند.

### خبر ویژه

## دانیال اسماعیلی‌فر، جوان اول سپاهان را از تیم ملی خط زد!

**کار سخت آر یا یوسفی برای سفر به جام جهانی ۲۰۲۶**

نداشت. آر یا یوسفی که امید زیادی داشت تا خود را در فینال کافانشان دهد، بعد از این اخراج شش‌وکه کننده که با بی‌احتیاطی او و در اثر یک برخورد در مرکز زمین انجام شده بود، ابتدا ش‌وکه شد و در ادامه زمانی که قصد ترک زمین را داشت، با چشمان خیس به سمت رختکن رفت تا به این شکل نشان دهد که از اشتباه خود بسیار ناراحت و پ شیمان است اما امیرقلعه‌نویی به فکر فرو رفت. رامین رضاییان باتجربه و ۳۵ ساله وارد زمین شد اما این یکی هم جلوی روسیه آن

ظاهر شد که نیازی به تعویض او و استفاده از آر یا یوسفی با رامین رضاییان احساس نشد. حالا با این نمایش عالی دانیال اسماعیلی‌فر، به نظر می‌رسد کار آر یا یوسفی جوان برای سفر به جام جهانی ۲۰۲۶ خیلی سخت شده باشد.

عملکرد فوق‌العاده دانیال اسماعیلی‌فر سبب شد که آر یا یوسفی در فیفادای اخیر فرصت بازی پیدا نکند. آخرین بازی جوان اول سپاهان اصفهان در تیم ملی با خاطره تلخی همراه شد؛ جایی که هنوز بازی ایران و ازبکستان شکل نگرفته بود که برخورد بین آر یا یوسفی مدافع راست تیم ملی ایران و عباس‌یک فیض‌الله‌یف باعث شد تا داور تاجیکستانی بعد از مرور صحنه، داور وسط را برای دیدن این صحنه فراخواند و به این شکل به او اعلام کند که این صحنه می‌تواند با کارت قرمز و اخراج بازیکن ایران همراه شود.

بازیکنان تیم ملی ایران و خود آریا در نگرانی و بهت کامل قرار داشتند چراکه تنها سه دقیقه از بازی گذشته بود و این‌اخراج کاملاً می‌توانست معادلات را در این مسابقه تغییر دهد. بازیبنی حدود دو دقیقه به طول انجامید و داور قرقریزستانی مصمم و بااطمینان به مرکز زمین برگشت تا تصمیم قبلی خود را تغییر داده و یوسفی را از زمین اخراج کند.

در تصاویر آهسته اما مشخص شد که مدافع تیم ملی ایران آشیل فیض‌الله‌یف را زده و به

## پایان مرگبار تیراندازی ناموسی

شب چهارشنبه سوری سال ۱۴۰۳ مرد جوانی به نام مهران در جریان تیراندازی افراد ناشناس در منطقه پاسگاه نعمت‌آباد به طرز هولناکی مقابل خانهاش به قتل رسید.

بالفاصله رسیدگی به موضوع در دستور کار تیم جنایی قرار گرفت و اقدامات لازم برای شناسایی عاملان جنایت آغاز شد. در حالی که جسد یادستور بازپرس جنایی به سردخانه پزشکی قانونی منتقل شد،تحقیقات جنایی برای روشن شدن راز ماجرا کلید خورد.

### اولین تحقیقات

در گام نخست از تحقیقات جنایی مشخص شد که مهران از مدتی قبل با دختری به نام آرزو در ارتباط بوده است که رابطه آنها در این اواخر با تنش همراه شده بود.تا جایی که برادر آرزو چند بار با مقتول درگیری لفظی پیدا کرده بود. در جریان تحقیقات به جز این مورد دشمنی و خصومت دیگری محرز نشد به این ترتیب برادر آرزو تحت تحقیقات قرار گرفت و به ارتکاب جنایت با همدستی دوستش به نام امین اعتراف کرد. با اطلاعاتی که برادر آرزو به نام امید به ماموران جنایی داد، امین نیز شناسایی و دستگیر شد و به تیراندازی مرگبار اعتراف کرد.بسه این ترتیب با صدور



کیفرخواست برای متهمان پرونده، رسیدگی به اتهامات آنها در شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران ادامه پیدا کرد.

### در دادگاه

در ابتدای جلسه رسیدگی اولیای دم مهران تقاضای قصاص قاتل را کردند. سپس امین پای میز محاکمه رفت و در دفاع از خود گفت:«مدتی قبل از جنایت بود که امید را دیدیم، او بسیار به هم ریخته و کلافه بود. ما با هم همشهری بودیم و امید از کودکی دوست نزدیک من بود. نمی‌توانستم او را در این حالت ببینم و بی تفاوت باشم، برای همین با اصرار از او خواستم علت ناراحتی‌اش را بگوید. بالاخره لب باز کرد و گفت موضوع به خواهرش مربوط است.می‌گفت آرزو از مدتی قبل با پسری در ارتباط بوده و حالا آن پسر از سادگی و علاقه آرزو سوءاستفاده کرده است. او از آرزو تعدادی عکس‌های شخصی به دست آورده بود و از طریق آن اقدام به اخاذی از او می‌کرد. امید می‌گفت که آن پسر با تهدید انتشار عکس‌ها می‌خواهد ما را از ترس آبرویمان مجبور به بیاچ دادن کند.»

متهم ادامه داد: «امید می‌گفت از هر راهی وارد شده برای

## دستگیری عاملان جنایت خیابان اقا قیا

مشخص شد دو مرد مظنون از مشتریان قدیمی صراف مقتول بوده‌اند و همین ارتباط، مسیر رسیدن به آن‌ها را هموار کرد. وی افزود: در بررسی‌های بعدی و با اقدامات اطلاعاتی و پلیسی، مخفیگاه دو مرد جوان در کرج شناسایی شد.تحقیقات نشان می‌داد آن‌هارابطه نزدیکی با یکدیگر دارند و پس از قتل، به این شهر گریخته‌اند. با به‌دست‌آمدن این اطلاعات، تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی با هماهنگی مقام قضایی، در دو عملیات همزمان و ضربتی، هر دو متهم را تحت مراقبت‌های نامحسوس بازداشت کردند. رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ خاطرنشان کرد:عامل اصلی جنایت در بازجویی‌ها گفت که مدتی با مقتول واردات مالی داشته است. روز حادثه قرار بود مقتول برای او دلار بیاورد و در مقابل، تتر دریافت کند، اما پیش از آن او و همدستش نقشه قتل را طراحی کرده بودند. به گفته متهم، هنگام تحویل چسدان دلار، میان آن‌ها مناجره‌ای در می‌گیرد و او در لحظه‌ای از عصبانیت با سلاحی که همراه داشت، دو گلوله به مقتول شلیک می‌کند. سپس با خودرویی که همدستش در آن منتظر بوده، از محل می‌گریزند.



**علیرضا نیکبخت واحدی از عملکرد سایپنتو دفاع می‌کند، شکست مقابل الوصل را حاصل یک اتفاق**

**و استقلال را شا یسته قهرمانی لیگ بر تر می‌داند**

# همین استقلال می‌تواند قهرمان شود

ستاره سابق تیم استقلال به ادعای ریکاردو ساپینتو اعتماد دارد و از همه استقلالی‌ها هم دعوت می‌کند از مرد ترغالی حمایت کنند. تیم‌های فوتبال استقلال و مس رفسنجان در جریان هفته هفتم لیگ بر تر فوتبال ایران در روز شگاه شهادی شهر قدس به مصاف هم رفتند که در پایان ۹۰ دقیقه تلاش دو نیم، شاگردان ریکاردو ساپینتو موفق شدند با یک گل مقابل شاگردان رسول خطیبی به برتری برسند. پس از پایان بازی، ریکاردو ساپینتو اعلام کرد این همان تیمی است که مد نظرش بوده و... به همین بهانه سراغ علیرضا نیکبخت واحدی رفتیم.

« **تفاوت این استقلال هفته هفتم با استقلال هفته‌های گذشته چه بود؟**

خیلی مهم بود که ریکاردو ساپینتو به لب خط برگردد و از نزدیک تیمش را هدایت کند. او یک مربی پرچنب و جوش کنار زمین است و به همین خاطر نشستن روی سکو خیلی تیم استقلال را اذیت کرد.

« **اما در بازی با الوصل امارات کنار زمین بود و استقلال ۷ گل خورد؟** این بازی یک اتفاق بود و اگر الوصل و استقلال ۵۰ بار دیگر با هم بازی کنند چنین نتیجه‌ای به دست نمی‌آید. نباید زیاد روی این موضوع مانور داد!

« **چرا؟ به هر حال یک فاجعه بوده است. نبوده؟**

هر چه بوده تمام شده و فته است. آن بازی دیگر بر نمی‌گردد و اینکه استقلال بخواهد زانوی غم بغل کند، حرفه‌ای نیست. استقلال با این پیروزی به آرامش خوبی رسیده و بهتر است شمار سانه‌ها هم به این آرامش کمک کنند.

« **شما یک زمانی گفتید که ساپینتو بر خلاف استراماچونی شومن نیست. هنوز هم چنین اعتقادی دارید؟**

هنوز هم همین اعتقاد را دارم. استراماچونی پول کار نکرده را از استقلال گرفت و حتی از یک دلار هم نگذشت. ساپینتو حداقل انسان صادقی‌تر است و این موضوع برای همه ثابت شده.

« **ولی رزومه و سابقه آندره آ استراماچونی را ساپینتو ندارد؟**

استراماچونی الان کجاست؟ مفسر تلویزیونی شده. من ناراحتم که این مربی ایتالیایی چرا پول مفت بابت کاری که نکرده بود را از استقلال گرفت. از استقلال شکایت کرد در حالی که خودش تیم را رها کرده و رفته بود. البته من منکر برخی کارشکنی‌ها یا شیطنت‌ها نمی‌شوم که کمک کرد استراماچونی از فوتبال ایران و استقلال برود اما این مربی تعهد اخلاقی و حرفه‌ای نداشت.

« **با یک برد مقابل مس رفسنجان در استقلال بهار می‌شود؟**

بحث بهار نیست بلکه تیم نیاز استقلال به این برد بود. این پیروزی اعتماد به نفس تیم را بالا خواهد برد. این تیم، ساپینتو و بازیکنانش با شرایط بهتری در هفته‌های بعدی بازی خواهند کرد.

« **برخی بازیکنان خارجی استقلال هم در این بازی عملکرد بسیار خوبی داشتند. قبول دارید؟**

یاسر آسانی به نظر من از اینجا بهترین خرید استقلال بوده است. یک وینگر

**درگیری صاحب تعویض روغنی با همسر سابق مستاجرش به جنایت ختم شد**

# رای قصاص ابلاغ شد متهم سگته کرد و مرد!



### مرگ متهم به قتل

در حالی که رسیدگی به پرونده در مرحله تحقیقات تکمیل شد پرونده با شکایت اولیای دم با می‌کردم. برای همین تصمیم به جدایی از او گرفتم و با اینکه بعد از طلاق هم وضعیت مالی و حسبتناکی داشتم اما به هیچ وجه حاضر به بازگشت به آن زندگی نبودم.» همسر مقتول ادامه داد: «خانه‌ای که در طبقه بالای تعویض روغنی بود اجاره کردم و با صاحبخانه که صاحب مغازه تعویض روغنی هم بود حرف زدم تا برای پرداخت اجاره کمی به من مهلت دهد که کار پیدا کنم. می‌خواستم زندگی خودم را بسازم اما همسر سابقم دست از سرم بر نمی‌داشت.او آدرس محل جدید زندگی‌ام را پیدا کرده بود و برایم مزاحمت ایجاد می‌کرد. هر روز مقابل خانه می‌آمد و داد و بیداد از من می‌خواست پایین بیایم. روز حادثه متوجه درگیری او و صاحب مغازه شدم اما فکر نمی‌کردم کار به اینجا بکشد.»



سه سال قبل رسیدگی به یک درگیری خونین در مقابل یک تعویض روغنی در حالی در دستور کار تیم جنایی قرار گرفت که تحقیقات ابتدایی حکایت از این داشت که صاحب تعویض روغنی عامل قتل است. رسیدگی به این موضوع با اعلام از سوی کادر درمان یکی از بیمارستان‌های جنوب تهران در دستور کار ماموران پلیس قرار گرفت. مرد جوانی به نام سعید با حال وخیم به بیمارستان منتقل شده بود و در حالی که به دلیل اصابت جسم سخت به سرش حال وخیمی داشت تحت معالجه و درمان قرار گرفت اما شدت اصابت ضر به به حدی بود که جان باخت. به این ترتیب در اولین قدم از تحقیقات با دستور باز پرس جنایی صاحب تعویض روغنی شناسایی و دستگیر شد.

### اعتراف به قتل

متهم در همان برخورد ابتدایی با ماموران پلیس به قتل اعتراف کرد و گفت: «مدتی بود که مقتول هر روز مقابل مغازه من می‌آمد و داد و بیداد راه می‌انداخت. طبقه بالای مغازه من خانه‌ای مسکونی است که آن را به همسر سابق سعید اجاره داده بودم. او به بهانه ملاقات با همسر سابقش برای کسب و کار من مشکل ایجاد می‌کرد. روز حادثه بالاخره اینقدر عصبانی‌ام کرد که با او درگیری لفظی پیدا کردم. بعد برای اینکه دست بردارم و از آنجا بروم میله بلندی را که با آن کرکره مغازم را پایین می‌آورد برداشتم و با آن ضربه‌ای به سر سعید زدم اما فکرش را هم نمی‌کردم که این ضربه باعث مرگ او شود. من سعید را نمی‌شناختم و از او کینه‌ای نداشتم که به خاطر آن از عمد تصمیم به کشتنش بگیرم.» در ادامه تحقیقات جنایی همسر سعید نیز احضار شد و در توضیح ماجرا گفت: «دو ماه بود که از



